



# لحظه نهایی

ایران و آمریکا به نزدیکترین نقطه  
برای تفاهم و توافق رسیده‌اند

یادداشت روز

## عدالت ترمیمی

### برای ایران پسا جنگ

سیاست کیفری باید به جای حذف  
بر بازسازی سرمایه اجتماعی متمرکز شود

صالح نقره‌کار

حقوقدان



سیاست کیفری پسا جنگ ایران در پرتو مقاومت قهرمانانه و اینترگری‌های کم‌نظیری که نیروهای دفاعی کشور در کنار دولت، مسئولان، نیروهای هلال احمر، نیروهای نظامی و انتظامی، معلمان، فرهنگیان، دانش‌گاہیان، جامعه نخبگانی و یکایک شهروندان ایرانی از خود نشان دادند، نیازمند بازتعریف و بازاندیشی جدی است. در ایام سخت و محنت‌باری که قدرت‌های بزرگ جهانی علیه کشور ما اقدام کردند، ملت ایران توانست با وحدت، همدلی و ایستادگی تمام‌عیار، یکی از دشوارترین دوره‌های تاریخی خود را پشت سر بگذارد. زرادخانه بی‌بدیل تاریخ، تمدن، فرهنگ دیرین و هویت ایرانی سبب‌ساز شکل‌گیری حماسه‌ای ارزشمند در حوزه عمومی شد؛ حماسه‌ای که اکنون پاسداری و پرستاری از آن ضرورتی انکارناپذیر است.

در عین حال باید در نظر داشت که بسیاری از رخدادها و موضوعاتی که از هجدهم و نوزدهم دی‌ماه و وقایع مرتبط با آن شکل گرفت با سوبه‌هایی از برخوردها و انگاره‌های انتظامی و امنیتی نسبتاً شدید همراه بود و جامعه به دلیل وسعت و بزرگی جنگی که علیه تمامیت و هویت ایران شکل گرفته بود، فرصت کافی برای ترمیم ضایعات و زخم‌های آن را پیدا نکرد. از همین‌رو در برهه کنونی پسا جنگ بسیار مهم است که تمامی نهادهای سیاست‌گذار در امر کیفری، به‌ویژه بخش‌های مرتبط با خط‌مشی‌گذاری قضایی و امنیتی، اهمیتی جدی به مقوله عدالت ترمیمی داشته باشند.

ضروری است از ظرفیت‌های بازگشت به جامعه، ترمیم ضایعات اجتماعی و تقویت همبستگی ملی استفاده شود تا تمامی زمینه‌ها و انگاره‌هایی که منجر به تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی ایرانیان می‌شود از میان برداشته شود. حتی یک ایرانی نیز نباید در لشکر مخالف قرار گیرد. هیچ شهروند دارای شناسنامه ایرانی نباید در جنگ شناختی به معارضة با کشور خویش سوق داده شود. شکل‌گیری دوگانه «جمهوری اسلامی» و «تمامیت ارضی ایران» می‌تواند بستری خطرناک برای تضعیف همبستگی اجتماعی و فرسایش سرمایه ملی باشد؛ سرمایه‌ای که باید حول یک منافع مشترک به نام «وطن» به هم پیوند بخورد.

در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری کیفری کشور باید بیش از هر زمان دیگری، سبوی‌ای جبرانی و ترمیمی پیدا کند؛ به‌گونه‌ای که افرادی که به خطا، قصور، تقصیر یا تحت‌تأثیر جنگ شناختی در مسیر خدمت به دشمن قرار گرفته‌اند یا دچار سهل‌انگاری شده‌اند و نتوانسته‌اند حق را از باطل تشخیص دهند به‌جای حذف، طرد و قرار گرفتن خانواده‌هایشان در جبهه مقابل، امکان بازگشت به جامعه و پیوستن دوباره به جبهه وطن‌دوستان را پیدا کنند.

امروز بیش از هر زمان دیگری، کشور نیازمند جذب حداکثری و تقویت نیروهای ملی‌گرا و وطن‌پرست است. در این مسیر عدالت ترمیمی می‌تواند بستری برای بازبینی، اصلاح و بازسازی پیوندهای اجتماعی باشد. از همین‌رو در این برهه حساس باید تا حد ممکن از اعدام‌های تجویزی همچنین حبس‌های طولانی‌مدت پرهیز شود تا شرایطی فراهم آید تا حتی کسانی که مرتکب خطا یا اقدام ناروایی شده‌اند، فرصت جبران، بازسازی و بازگشت به عرصه خدمت ملی را داشته باشند.

سرمایه اجتماعی و انسجام ملی، امروز برای ایران اهمیتی حیاتی دارد و پیوند خوردن سیاست‌گذاری جزایی و کیفری با این ملاحظات ملی، ضرورتی مبرم برای آینده ایرانی وحدت‌بخش، همدل و وطن‌پرست است.



مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور با انتقاد از شیوه و عملکرد صداوسیما گفت:

بیانات رهبر شهید انقلاب به‌گونه‌ای باز نشر می‌شود که گویا نظام، مطلقاً مخالف مذاکره بوده در حالی که ایشان هیچ‌گاه با مذاکرات در چارچوب منافع ملی مخالفت نداشتند

# تصمیم‌ها با اذن رهبری است

برخی کارشناسان صداوسیما سخنانی مطرح می‌کنند که  
با واقعیت‌های جاری کشور فاصله جدی دارد

می‌دهند. پزشکیان با دفاع از مذاکره عزتمندانه در چارچوب منافع ملی هشدار داد: «هر سخن، تحلیل یا موضعی که از هر تریبونی، به‌ویژه صداوسیما، منجر به ایجاد شکاف و تفرقه در جامعه شود، در عمل آب ریختن به آسیاب دشمن است». این درحالی است که همزمان در بیرون از این فضای رسمی، برخی چهره‌های تندرو نیز همچنان بر طبل جنگ می‌کوبند؛ گویی نه تجربه تلخ جنگ اخیر را دیده‌اند و نه دغدغه معیشت و امنیت مردم را می‌شنوند.

**وحدت؛ مهم‌ترین دغدغه امروز کشور**

رئیس‌جمهور روز گذشته در جمع مدیران سازمان صداوسیما به فضای سیاسی روزهای اخیر که در آن برخی جریان‌ها تلاش می‌کنند هر تصمیم ملی را به میدان منازعه جناحی

تبدیل و هر قدم در مسیر کاهش تنش را با برچسب «سازش» و «عقب‌نشینی» تخطئه کنند، واکنش نشان داد و بر یک کلیدواژه تأکید کرد: «وحدت». او یادآور شد که تأکید دولت بر وفات، یک شعار انتخاباتی و مقطعی نبوده بلکه باوری ریشه‌دار است که امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت خود را نشان داده و گفت: «امروز حفظ وحدت و انسجام ملی به‌مراتب مهم‌تر از مسائل نظامی و امنیتی است».

او در ادامه درباره مهم‌ترین دغدغه امروز کشور گفت: «دغدغه اصلی امروز ما نه جنگ و موشک و بمباران بلکه حفظ آرامش، انسجام و یکپارچگی جامعه است». این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که هنوز آثار جنگ اخیر بر اقتصاد، بازار، سرمایه اجتماعی و زندگی روزمره مردم باقی است و بخش مهمی

از ظرفیت مدیریتی کشور صرف جلوگیری از بازگشت دوباره بحران شده است. از همین‌رو رئیس‌جمهور تأکید کرد که حتی از بیان برخی مسائل و اختلافات نیز صرف‌نظر می‌کند تا مبدا شکاف تازه‌ای در جامعه ایجاد شود. اما بخش مهم اظهارات پزشکیان جایی بود که به عملکرد رسانه‌ها، به‌ویژه صداوسیما، پرداخت. او با بیان اینکه همواره تلاش کرده است، سخنی بر خلاف نظر مقام معظم رهبری بیان نکند و یا موضعی اتخاذ نکند که به اختلاف میان ارکان حاکمیت دامن بزند و دشمن از آن سوء استفاده کند، گفت: «هر سخن، تحلیل یا موضعی که از هر تریبونی، به‌ویژه صداوسیما، منجر به ایجاد شکاف و تفرقه در جامعه شود، در عمل آب ریختن به آسیاب دشمن است».

ادامه در صفحه ۲

عاطفه شمس

گروه سیاسی



در شرایطی که کشور پس از ماه‌ها تنش، جنگ و فشار اقتصادی در نقطه‌ای حساس ایستاده و مسئولان ارشد نظام به دنبال کاهش هزینه‌های بحران و جلوگیری از بازگشت درگیری‌ها هستند از یاستور تا جام‌جم یک پیام واحد مخابره شد؛ حفظ وحدت ملی مهم‌تر از هر چیز است. رئیس‌جمهور در دیدار با مدیران صداوسیما ضمن تأکید بر اینکه هیچ تصمیمی خارج از چارچوب شورای عالی امنیت ملی و بدون اذن رهبری اتخاذ نمی‌شود به انتقاد از تریبون‌هایی پرداخت که با تحلیل‌های غیر واقعی و دوقطبی‌سازی انسجام ملی را هدف قرار



### دولت

## دستور عارف

مسئولان درباره بنزین سخن نگویند



**گروه سیاسی:** در حالی که بحث درباره اصلاح قیمت و مدیریت مصرف بنزین همچنان در صدر دستورکار دولت قرار دارد، معاون اول رئیس جمهور با صدور دستوری هرگونه اظهار نظر مسئولان درباره این موضوع را تا زمان جمع‌بندی کارشناسی ممنوع کرده است؛ تصمیمی که نشان دهنده حساسیت بالای موضوع بنزین در ایران و نگرانی از تبعات اجتماعی هرگونه تغییر در این حوزه است.

محمدرضا عارف روز گذشته در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت با تأکید بر لزوم جلوگیری از «التهاب آفرینی رسانه‌ای» اعلام کرده تا زمان نهایی شدن بررسی‌های کارشناسی، هیچ مقام دولتی حق اظهار نظر شخصی درباره بنزین را ندارد. او حتی هشدار داده در صورت تخطی با افراد برخورد خواهد شد؛ موضوعی که نشان می‌دهد، دولت تلاش دارد مسیر تصمیم‌گیری در حوزه انرژی را از فضای پرتش سیاسی و رسانه‌ای جدا کند. اما حساسیت این تصمیم زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم بنزین در ایران یک مسئله اقتصاد-اجتماعی تلقی می‌شود. ساختار پارانهای سنگین، مصرف بالای سوخت، رشد ناوگان خودروهای کم‌کیفیت، قاچاق سوخت به کشورهای همسایه و فشار بر بودجه عمومی، مجموعه‌ای از چالش‌ها را شکل داده که سال‌هاست، سیاست‌گذار را در وضعیت تعلیق نگه داشته است. در واقع، ایران یکی از کشورهای است که شکاف میان قیمت واقعی و قیمت عرضه بنزین در آن بسیار بالاست؛ شکافی که از یک سو به حمایت اجتماعی از سوخت ارزان‌تر خورده و از سوی دیگر به هدررفت منابع ملی و فشار مالی بر دولت منجر شده است. همین دوگانه، سیاست‌گذاری در این حوزه را به یکی از پرهزینه‌ترین تصمیم‌های اقتصادی تبدیل کرده است. در سال‌های گذشته هر بار بحث اصلاح قیمت با تغییر در نظام سهمیه‌بندی مطرح شده، واکنش‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای شکل گرفته است. تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که نبود گفت‌وگوی شفاف با جامعه و ضعف در افتاح افکار عمومی، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی و در برخی مقاطع حتی تنش‌های اجتماعی شده است. به همین دلیل دولت‌ها معمولاً به‌جای اصلاحات ساختاری به راه‌حل‌های موقت مانند سهمیه‌بندی، کارت سوخت یا کنترل مصرف روی آورده‌اند؛ سیاست‌هایی که اگرچه در کوتاه‌مدت اثرگذار بوده‌اند اما مسئله اصلی را حل نکرده‌اند. عارف در همین جلسه تأکید کرده که دولت قصد دارد تصمیمات خود را به‌گونه‌ای اتخاذ کند که معیشت مردم آسیب نبیند اما در عین حال «واقعیات اقتصادی» کشور نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در کنار بحث قیمت، موضوع «مدیریت مصرف» نیز به‌عنوان راهبرد مکمل مطرح شده است. دولت به‌دنبال آن است که با مجموعه‌ای از سیاست‌های غیرقیمتی از جمله بهینه‌سازی مصرف در بخش خانگی و صنعتی، کاهش شدت انرژی و جلوگیری از اتلاف سوخت، فشار واردات را کاهش دهد. اما واقعیت این است که بدون اصلاحات ساختاری در قیمت‌گذاری و الگوی مصرف، این سیاست‌ها اغلب اثر محدود خواهند داشت. حالا با دستور جدید معاون اول، دولت تلاش دارد ابتدا به یک جمع‌بندی کارشناسی برسد سپس تصمیم را به جامعه اعلام کند؛ اما تجربه نشان داده که در پرونده بنزین، مشکل فقط «تصمیم‌گیری» نیست بلکه «اجرا و اقتناع اجتماعی» بخش مهم‌تری از ماجراست و تا زمانی که این دوگانه حل نشود، بنزین همچنان یکی از پریوریت‌ترین و حساس‌ترین پرونده‌های سیاست‌گذاری در ایران باقی خواهد ماند.

### یاد

## پیر مطبوعات

**گروه سیاسی:** آیین چهارمین سالگرد و یادبود مرحوم حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی، عصر سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ با برگزاری دعای عرفه در بیت آن مرحوم از ساعت ۱۵:۳۰ برگزار خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند در این آیین یادبود حضور یابند. حجت‌الاسلام دعایی نماینده ۶ دوره ابتدایی مجلس شورای اسلامی از ابتدا تا سال ۱۳۸۳ بود. او همچنین سال‌ها به‌عنوان نماینده ولی ققیه و سرپرست موسسه مطبوعاتی اطلاعات خدماتی شایان توجه را به جامعه رسانه‌ای کشور ارائه داد. در سال ۱۳۹۳ نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر به وی اهدا شد و در سال ۱۳۹۷ از سوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات به‌عنوان چهره شاخص فرهنگی انتخاب و جایزه قلم طلایی به او اهدا شد. مرحوم دعایی عصر روز ۱۵ خرداد ۱۴۰۱ در پی بیماری به دیار حق شتافت.

# رقبای ضعیف

سالاری و نقدعلی می‌خواهند با قالیباف بر سر صندلی ریاست رقابت کنند



محمدباقر قالیباف

**گروه سیاسی:** مجلس دوازدهم در آستانه ورود به سومین سال فعالیت خود امروز شاهد یکی از مهم‌ترین رقابت‌های درون‌پارلمانی خواهد بود؛ انتخاب هیأت‌رئیس‌ه‌ای که برای یک سال آینده، سکان اداره قوه مقننه را در دست می‌گیرد. اگرچه رقابت بر سر ریاست میان محمدباقر قالیباف، عثمان سالاری و محمدتقی نقدعلی شکل گرفته اما جدال اصلی در کرسی‌های نواب‌رئیس و حاشیه‌های سیاسی پیرامون تداوم ریاست قالیباف جریان دارد؛ موضوعی که این دوره از انتخابات را از سال‌های گذشته متمایز کرده است.

بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، اعضای هیأت‌رئیس برای مدت یک سال و با رأی مستقیم نمایندگان انتخاب می‌شوند. این هیأت متشکل از ۱۲ عضو شامل یک رئیس، دو نواب‌رئیس، سه ناظر و ۶ دبیر است و مسئولیت اداره جلسات و امور اجرایی مجلس را بر عهده دارد. این انتخابات مطابق سنت پارلمانی هر ساله در آستانه هفتم خرداد، سالروز تشکیل مجلس شورای اسلامی، برگزار می‌شود؛ زمانی که علاوه بر هیأت‌رئیس مجلس، ترکیب هیأت‌رئیس کمیسیون‌های تخصصی نیز تعیین تکلیف می‌شود. تا لحظه تنظیم این گزارش، سه نماینده برای ریاست مجلس اعلام نامزدی کرده‌اند؛ محمدباقر قالیباف نماینده تهران و رئیس فعلی مجلس، عثمان سالاری نماینده تربت‌جام و محمدتقی نقدعلی نماینده خمینی شهر. قالیباف که از آغاز مجلس یازدهم ریاست قوه مقننه را بر عهده داشته همچنان گزینه اصلی بسیاری از فراکسیون‌ها و طیف‌های سیاسی داخل مجلس محسوب می‌شود. در مقابل، حضور عثمان سالاری و محمدتقی نقدعلی هرچند رقابت

### ادامه تیتربیک

## تصمیم‌ها با اذن رهبری است

رئیس جمهور، بدون نام بردن از افراد یا برنامه‌های خاص نسبت به طرح برخی تحلیل‌های غیرواقعی در رسانه ملی انتقاد کرد و گفت: «گاهی برخی کارشناسان در رسانه ملی سخنانی مطرح می‌کنند که با واقعیت‌های جاری کشور و روندهای موجود فاصله جدی دارد اما دولت به‌منظور جلوگیری از اختلاف و حفظ آرامش جامعه از واکنش و موضع‌گیری پرهیز می‌کند».

### هشدار نسبت به دوقطبی‌سازی در موضوع مذاکره

پزشکیان همچنین به موضوع مذاکرات و نحوه بازتاب آن در رسانه‌ها اشاره کرد و گفت: «در مواردی، کلیپ‌هایی از بیانات رهبر شهید انقلاب درباره مذاکره به‌گونه‌ای باز نشر می‌شود که گویا نظام به‌صورت مطلق مخالف هرگونه مذاکره بوده است درحالی که رهبر شهید هیچ‌گاه با مذاکره عزت‌مندانه مبتنی بر اقتدار و در چارچوب منافع ملی مخالفت نداشتند و در دیدارهایی که با معظّمه داشتیم، نگاه ایشان همواره مبتنی بر حفظ عزت، حکمت و مصلحت نظام بود». او در برابر این روایت‌ها تأکید کرد که «هیچ تصمیمی در جمهوری اسلامی ایران خارج از چارچوب شورای عالی امنیت ملی و بدون هماهنگی و اذن مقام معظم رهبری اتخاذ نخواهد شد». این اظهارات پزشکیان در واقع پاسخی واضح به ادعاهایی است که این روزها از سوی برخی چهره‌های تندرو مطرح می‌شود و تلویحاً دولت را متهم می‌کنند که گویا در باره جنگ، آتش‌بس یا مذاکرات، مستقل از ساختار تصمیم‌گیری نظام عمل کرده است. رئیس جمهور نه‌تنها این روایت‌ها را رد کرد بلکه فراتر از آن تأکید کرد که «وقتی تصمیمی در حوزه دیپلماسی اتخاذ می‌شود، همه دستگاه‌ها و تریبون‌ها باید از آن حمایت کنند تا تصادفی واحد و منسجم از جمهوری اسلامی ایران به جهان مغایره شود». همچنین در شرایطی که کشور نیازمند آرامش، انسجام و تمرکز بر حل مشکلات اقتصادی است، رئیس جمهور عملاً هشدار داد که پروژه دوقطبی‌سازی، هر نام و عنوانی داشته باشد، در نهایت به سود منافع ملی تمام نخواهد شد. او تأکید کرد: «نمی‌توان هر فرد یا جریانی صرفاً بر مبنای سلیقه شخصی خود، نسخه‌های متفاوت برای کشور ارائه دهد؛ چراکه اداره کشور مستلزم تصمیم واحد و تبعیت جمعی است».

### دعوت از منتقدان برای مشارکت در حل مسائل

پزشکیان در بخش دیگری از سخنانش دوباره به یکی از اصلی‌ترین



عثمان سالاری

را رسمی کرده اما نگاه‌ها بیش از هر چیز به میزان آرای قالیباف و پیام سیاسی آن دوخته شده است. در کنار کرسی ریاست، رقابت بر سر دو جایگاه نایب‌رئیس مجلس نیز از جذاب‌ترین بخش‌های انتخابات هیأت‌رئیس به‌شمار می‌رود. تاکنون ۷ نماینده برای این سمت اعلام آمادگی کرده‌اند: حسینعلی حاجی‌دلیگانی، حمیدرضا حاجی‌بابایی، علی نیکزاد، پیمان فلسفی، علیرضا منادی سفیدان، رضا جباری و عبدالرضا مصری. در ترکیب فعلی هیأت‌رئیس، علی نیکزاد و حمیدرضا حاجی‌بابایی به‌عنوان نواب‌رئیس فعالیت می‌کنند و باید دید آیا نمایندگان بار دیگر به حفظ ترکیب موجود رأی خواهند داد یا چهره‌های جدیدی وارد حلقه مدیریتی مجلس خواهند شد. برای دبیران هیأت‌رئیس نیز حدود ۲۴ نفر و برای ناظران ۹ نفر ثبت‌نام اولیه کرده‌اند. اما یکی از تفاوت‌های انتخابات امسال، شیوه برگزاری رأی‌گیری است. به گفته عباس پای‌زاده، عضو هیأت‌رئیس مجلس، انتخابات به‌صورت حضوری برگزار می‌شود اما رأی‌گیری از طریق صندوق‌های الکترونیک با هدف افزایش سرعت، دقت و شفافیت فرآیند انتخابات انجام خواهد شد. در این روش، نمایندگان پس از احراز هویت، آرای خود را ثبت می‌کنند. این شیوه جایگزین روش سنتی موسوم به «گلدانی» شده است؛ روشی که در سال‌های گذشته بر مبنای توزیع برگه‌های رأی میان نمایندگان و شمارش دستی آرا توسط ناظران هیأت‌رئیس انجام می‌شد.

با وجود اینکه انتخابات هیأت‌رئیس معمولاً رقابتی درون‌مجلسی تلقی می‌شود، امسال فضای سیاسی پیرامون ریاست مجلس، رنگ‌وبوی متفاوتی پیدا کرده است. بخشی از منتقدان قالیباف

محورهای گفتمان سیاسی خود یعنی «حفظ سرمایه اجتماعی» بازگشت؛ مفهومی که از زمان رقابت‌های انتخاباتی تا امروز تقریباً در همه مواضع او تکرار شده است. رئیس جمهور با هشدار نسبت به گسترش دوقطبی‌سازی در جامعه تأکید کرد که نظام سیاسی بیش از هر چیز به همراهی مردم نیاز دارد و این همراهی تنها زمانی حفظ می‌شود که از برچسب‌زنی و تقسیم جامعه به خودی و غیرخودی پرهیز شود. رئیس جمهور برای توضیح این نگاه، به یکی از مصادیق بحث‌برانگیز سال‌های اخیر اشاره کرد و با اشاره به حضور اقسشار مختلف جامعه در صحنه‌های حمایت از کشور گفت: «همان بانوانی که امروز ممکن است پوشش متفاوتی داشته باشند، در میدان‌های حمایت از انقلاب و کشور حضور دارند و رسانه ملی نیز تصاویر حضور آنان را پخش می‌کند؛ در حالی که تا همین چندین پیش، برخی نگاه‌ها بر طرد و برخورد با آنان استوار بود. نباید مردم را از دایره انقلاب و نظام دفع کرد».

رئیس جمهور همچنین از منتقدان و فعالان سیاسی خواست به‌جای ایستادن در حاشیه و صرفاً انتقاد کردن، در میدان حل مسائل حضور پیدا کنند و با اشاره به شرایط دشوار کشور پس از بحران‌های اخیر و فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ، تأکید کرد که امروز بیش از هر زمان دیگری به همکاری، هم‌افزایی و همراهی ملی نیاز است. رئیس جمهور در بخش پایان به مواضع جریانهایی پرداخت که در ماه‌های اخیر از بیرون مرزها یا در حاشیه تحولات سیاسی کشور، چشم‌انتظار تشدید فشارها و آسیب دیدن ایران بوده‌اند و بسا انتقاد از این رویکردها، تأکید کرد: «کسانی که بی‌شرمانه چشم‌انتظارند آمریکا و رژیم صهیونیستی بتوانند به کشور ما آسیب بزنند و تجزیه و نابودی ایران را دنبال می‌کنند، باید در برابر وجدان ملت پاسخگو باشند». او همچنین با اشاره به پیامدهای انسانی جنگ و خشونت، خاطر نشان کرد که هیچ انسان آزاده‌ای نمی‌تواند در برابر جنایت علیه مردم بی‌گناه و تهدید تمامیت کشور بی‌تفاوت باشد و راه غلبه بر تهدیدها را حفظ وحدت ملی، خدمت صادقانه به مردم و اتکا به سرمایه اجتماعی دانست.

### چالش مواضع غیررسمی با تصمیمات کلان کشور

با این حال، همزمان با این تأکیدها بر وحدت و انسجام، جریان دیگری در حال فعالیت است؛ جریانی که به‌نظر می‌رسد هنوز در



محمدتقی نقدعلی

معتقدند، تمرکز مسئولیت‌های متعدد در دست رئیس فعلی مجلس از جمله مأموریت‌های مرتبط با حوزه دیپلماسی و مذاکرات، می‌تواند ضرورت تغییر در رأس هیأت‌رئیس را توجیه کند. در مقابل، حامیان قالیباف استدلال می‌کنند که شرایط کنونی کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات مدیریتی و حفظ انسجام در قوه مقننه است. آنان عملکرد رئیس مجلس در ایجاد هماهنگی میان جریان‌های مختلف سیاسی و پیگیری پرونده‌های کلان ملی را از مهم‌ترین دلایل حمایت مجدد از او می‌دانند.

با این حال، انتخابات هیأت‌رئیس تنها دستورکار مهم بهارستان در آستانه اجلاس سه‌سوم نیست. مجلس درحالی برای تعیین ترکیب مدیریتی جدید خود آماده می‌شود که همزمان با مسائل معیشتی و مطالبات انباشته حوزه سلامت نیز روبه‌روست. به همین دلیل روز گذشته، سومین جلسه غیرعلنی و بیناری مجلس با حضور ۲۱۵ نماینده و محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت برگزار شد؛ نشست که محور آن بحران گرانی دارو، کمبود برخی اقلام پزشکی، ضعف پوشش بیمه‌ها و تأخیر شرکت‌ها در عرضه دارو بود. به گفته اعضای هیأت‌رئیس، نمایندگان بر ضرورت ورود جدی‌تر دولت و وزارت بهداشت به این مسائل تأکید کرده‌اند و حتی تشکیل «قرارگاه سلامت» برای پیگیری متمرکز مشکلات این حوزه در دستورکار قرار گرفته است. از این منظر، هیأت‌رئیس‌های که امروز انتخاب می‌شود علاوه بر مدیریت رقابت‌های سیاسی درون مجلس با پرونده‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی نیز مواجه خواهد بود که افکار عمومی بیش از هر چیز انتظار تعیین تکلیف آنها را از مجلس دوازدهم دارد.

فضای جنگی تنفس می‌کند و از هر فرصتی برای شعله‌ور نگه داشتن تنش بهره می‌گیرد. نمونه تازه آن اظهارات اخیر امیرحسین ثابتی در یکی از تجمعات شبانه است. نماینده تهران با قاطعیت اعلام کرد که وقوع مجدد جنگ «قطعی» است و حتی اگر آمریکا همه شروط ایران را بپذیرد و توافق نیز امضا شود، باز هم جنگ رخ خواهد داد. او حتی از احتمال آغاز حمله از سوی ایران گفت و مدعی شد ظرفیت موشکی کشور برای بمباران‌های طولانی‌مدت کفایت می‌کند. ثابتی در حالی این ادعاها را مطرح می‌کند که مسئولان رسمی کشور به‌طور مداوم از ضرورت مدیریت بحران، کاهش تنش و جلوگیری از بازگشت جنگ می‌گویند. در این میان، مشخص نیست که نماینده‌ای که بر کرسی قانون‌گذاری تکیه زده، بر اساس چه محاسبه‌ای وقوع جنگ را «قطعی» اعلام می‌کند و چنین موضعی چه کمکی به امنیت روانی جامعه می‌کند! در کنار ثابتی، کامران غضنفری نیز طی روزهای اخیر با انتشار ویدئوی طولانی، مجموعه‌ای از اتهامات و ادعاهای سنگین را متوجه دولت و شخص رئیس جمهور کرده است. بخش مهمی از این اظهارات بر این ادعا استوار است که دولت بدون اجازه رهبری آتش‌بس را پذیرفته؛ ادعایی که اتفاقاً پزشکیان در روز جمع مدیران صداوسیما به‌طور مستقیم و روشن به آن پاسخ داد و تأکید کرد هیچ تصمیمی خارج از چارچوب شورای عالی امنیت ملی و اذن رهبری اتخاذ نمی‌شود.

چگونه است که در شرایطی که عالی‌ترین مقام اجرایی کشور بر ضرورت تبعیت جمعی از تصمیمات کلان نظام، پرهیز از چندصدایی و حفظ انسجام تأکید می‌کند، برخی نمایندگان تندرو، حتی در ایام تعطیلی مجلس، به سادگی و بدون پروا در تجمعات خیابانی حاضر می‌شوند و ادعاهایی را بر زبان می‌آورند که عملاً تصمیمات رسمی کشور را زیر سوال می‌برد. نکته قابل تأمل این است که این رفتارها اغلب بدون هیچ واکنش جدی از سوی نهادهای مسئول ادامه پیدا می‌کند. اگر ایجاد تشویش، دوقطبی‌سازی و تضعیف انسجام ملی در شرایط حساس کنونی تهدیدی علیه امنیت کشور محسوب می‌شود، چرا برخوردها صرفاً محدود به برخی جریان‌ها و افراد است؟ چگونه است که کوچک‌ترین نقد یا اظهار نظر در برخی حوزه‌ها با واکنش سریع مواجه می‌شود اما دعوت تلویحی به استمرار جنگ یا زیر سوال بردن تصمیمات رسمی نظام با چنین تنهائی روبه‌روست؟

کشور امروز بیش از هر زمان دیگری به یک صدای واحد نیاز دارد. نه از آن جهت که همه یکسان بیندیشند، بلکه از آن‌رو که تصمیمات کلان ملی پس از اتخاذ، در میدان رقابت‌های جناحی تبدیل نشود.



# بیخ گوش کاخ سفید

## عامل تیراندازی در نزدیکی کاخ سفید کشته شد

**گروه بین‌الملل:** روز شنبه کاخ سفید شاهد یک حادثه دیگر تیراندازی بود. رسانه‌های آمریکایی پس از این حادثه از کشته شدن عامل احتمالی تیراندازی خبر دادند.

براساس بیانیه سرویس مخفی آمریکا پس از آنکه این مرد به سوی مأموران سرویس مخفی مسئول حفاظت از رئیس‌جمهوری آمریکا آتش گشود، در جریان تیراندازی متقابل زخمی شد سپس از شدت جراحات درگذشت.

این فرد در یکی از ایست‌های بازرسی نزدیک کاخ سفید به سوی مأموران شلیک کرده بود. رسانه‌های آمریکایی به نقل از بیانیه سرویس مخفی نوشته‌اند: «مأموران سرویس مخفی پلیس به تیراندازی پاسخ دادند، مظنون را هدف قرار دادند و او به یکی از بیمارستان‌های منطقه منتقل شد و بعداً درگذشت». چندین رسانه آمریکایی گزارش داده‌اند که مهاجم مردی ۲۱ ساله از ایالت مریلند بوده است. او پیش‌تر به دلیل مشکلات روانی توجه نهادهای مسئول را به خود جلب کرده و بارها نیز با مأموران سرویس مخفی درگیر شده بود. به گزارش کانال اول تلویزیون آلمان هنوز اطلاعاتی درباره انگیزه احتمالی این حادثه منتشر نشده است.

پس از تیراندازی، محل اقامت رئیس‌جمهور آمریکا به

دیپلماسی

## لحظه نهایی

### ایران و آمریکا به نزدیک‌ترین نقطه برای تفاهم و توافق رسیده‌اند



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

ایران و آمریکا سرانجام پس از سه ماه تنش و کشمکش، موفق شدند تا حدودی دیدگاه‌های خود را برای رسیدن به توافق نزدیک کنند. دونالد ترامپ در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» با اشاره به مذاکرات با ایران با میانجی‌گری پاکستان مدعی شد که یک توافق میان ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران و چند دولت دیگر که نام آنها ذکر شده تا حد زیادی مورد مذاکره قرار گرفته و تنها نهایی‌سازی آن باقی مانده است. وی تماس‌های تلفنی خود با محمد بن سلمان آل‌سعود، ولیعهد عربستان سعودی؛ محمد بن زاید آل‌نهیان، رئیس امارات؛ امیر تمیم بن حمد بن خلیفه آل‌ثانی؛ نخست‌وزیر محمد بن عبدالرحمن بن جاسم بن جابر آل‌ثانی و وزیر علی‌الذوادی از قطر؛ فیلد مارشال سیدعاصم منیر احمدشاه از پاکستان؛ رجب طیب‌اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه؛ عبدالفتاح سیسی رئیس‌جمهور مصر؛ ملک عبدالله دوم پادشاه اردن و ملک حمد بن عیسی آل‌خلیفه پادشاه بحرین را در مورد جمهوری اسلامی ایران و یادداشت تفاهم مربوط به صلح «بسیار خوب» توصیف کرد. ترامپ در ادامه گفت که جداگانه با تانیاهاو نخست‌وزیر اسرائیل نیز تماس تلفنی داشته که آن هم خیلی خوب پیش رفته است. رئیس‌جمهور آمریکا افزود که جنبه‌ها و جزئیات نهایی توافق در حال بررسی است و به‌زودی اعلام خواهد شد. وی همچنین تأکید کرد که علاوه بر بسیاری از عناصر دیگر توافق تنگه هرمز باز خواهد شد.

ترامپ همچنین در گفت‌وگو با رسانه خبری ای‌بی‌سی نیوز با اشاره به گزارش‌های ادعایی مبنی بر احتمال توافق میان تهران و واشنگتن گفت: هنوز نمی‌توانم جزئیات طرح را مطرح کنم. اگر خبری منتشر شود، فقط خبر خوب خواهد بود و من توافقی‌های بد با ایران امضا نمی‌کنم. او که ظاهراً از وجود تفاهم‌نامه‌ای میان ایران و آمریکا صحبت می‌کند، در اظهاراتی متناقض مدعی شد که این موضوع کاملاً به او بستگی دارد!

ترامپ همچنین نقل قولی از مسعود پزشکیان را در تروث‌سوشال منتشر کرد که در آن گفته بود، آماده‌ام به جهان اطمینان دهم به‌دنبال سلاح هسته‌ای نیستم و ایران به‌دنبال ناآرامی در منطقه نیست. ترامپ با انتشار پستی در تروث نیز نوشت: یکی از بدترین توافقی‌هایی که تاکنون توسط کشور ما انجام شده، توافق هسته‌ای ایران است که توسط اوایما و آما‌تورهای درجه یک دولتش امضا شد. در مورد معامله‌ای که در حال حاضر توسط دولت ترامپ درحال مذاکره است، اینطور نیست. دقیقاً برعکس! مذاکرات به



دوستی که اسرائیل تاکنون در کاخ سفید داشته در سلامت است و مهاجم قبل از اینکه بتواند آسیب بیشتری وارد کند، خنثی شد.

چند هفته پیش نیز یک حادثه تیراندازی در حاشیه صیافت سنتی خبرنگاران در واشنگتن رخ داده بود؛ مراسمی که ترامپ نیز در آن شرکت داشت.

ترامپ در دو سال گذشته از دو سوء قصد دیگر نیز جان سالم به‌در برده است. در ژوئیه ۲۰۲۴ مردی در جریان یک گردهمایی انتخاباتی در ایالت پنسیلوانیا به سوی او تیراندازی کرد و گلوله از کنار گوش نامزد وقت ریاست جمهوری آمریکا عبور کرد. در سپتامبر ۲۰۲۴ نیز مردی تلاش کرد هنگام بازی گلف در فلوریدا او را به قتل برساند. این فرد ۵۹ ساله بازداشت شد.

اروپا

## دیپلماسی پهبادی

### فرش قرمز اعراب برای زلنسکی

پایگاه کریستین ساینس مانی‌تور در مقاله‌ای به قلم هاوارد لافرانچی، کارشناس حوزه دیپلماسی نوشت:

در پایتخت‌های حوزه خلیج‌فارس و خاورمیانه از ریاض تا دمشق، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، به‌تازگی مورد استقبال گرم قرار گرفته و فرش قرمز زیر پای او پهن شده است. او همچنین از سوی رهبران اروپایی از برلین تا آنکارا به گرمی پذیرفته شده و به‌عنوان شریکی ارزشمند مورد توجه قرار گرفته است. زمانی که ایالات متحده و اسرائیل جنگ خود را علیه ایران آغاز کردند نقطه‌عطفی رقم خورد؛ علاقه به فناوری پهبادی اوکراین که در میدان نبرد آزمایش شده و اکنون به‌عنوان استاندارد جهانی در نظر گرفته می‌شود به‌شدت افزایش یافت. چندی نگذشت که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تصمیم گرفتند، اطلاعات بیشتری در مورد پهبادهای رهگیر ارزان اما مؤثری که اوکراین برای مقابله با پهبادهای شمشاد طراحی ایرانی ساخته است به‌دست آورند. دیپلماسی پهبادی اوکراین متولد شد و نه تنها فرصت صادرات سودآور بلکه پروژه‌های توسعه مشترک و پل‌سازی دوجانبه را برای کی‌یف ایجاد کرد. در عین حال جهان شاهد بوده است که سامانه‌های رهگیری پهباد اوکراین صدرصد مطمئن نیستند. هفته گذشته روسیه یکی از بزرگ‌ترین حملات موشکی و پهبادی خود در طول جنگ را انجام داد و بیش از ۱۵۰۰ پهباد و ۵۰ موشک به شهرهای اوکراین، عمدتاً کی‌یف، شلیک کرد.

با این حال، آمار بالای رهگیری اوکراین بی‌توجه نمانده و کشورها را بر آن داشته تا به‌دنبال قرارداد پهبادی با اوکراین باشند. در اواخر ماه مارس، اوکراین با عربستان سعودی و امارات متحده عربی مشارکت‌های امنیتی امضا کرد و ماه گذشته با آلمان، نروژ و هلند به قراردادهای دفاعی و پهبادی دست یافت. این ماه، زلنسکی با در دست داشتن یک قرارداد دفاع پهبادی و پیشنهاد مشارکت امنیتی از بحرین دیدار کرد و هفته گذشته، اوکراین و آلمان به توافقی برای توسعه مشترک پهبادهای دوربرد که می‌توانند تا نزدیک به ۱۶۰۰ کیلومتر پرواز کنند، دست یافتند.



بازه زمانی ۳۰ تا ۶۰ روزه برای انجام گفت‌وگوهای آبی به تفاهم رسیده‌اند. روترز به نقل از یک منبع ارشد ایرانی گزارش داد که تهران تحویل ذخایر اورانیوم غنای بالای خود را نپذیرفته است.

تهیه متن تفاهم‌نامه از سوی طرفین و اعلام مفاد آن به خوبی فضای بی‌اعتمادی را نشان می‌دهد. در واقع، توافق به‌صورت پله‌ای و تدریجی طراحی شده تا از اجرایی شدن آن اطمینان حاصل شود سپس گام‌های بعدی برداشته شود. اگر این روند تداوم یابد، می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت تدریجی اعتماد به طرفین شود. پایان جنگ در همه حوزه‌ها، پایان محاصره همچنین آزادسازی دارایی‌ها که از خواسته‌های مهم ایران به‌شمار می‌رود، موضوعی بود که آمریکا تا پیش از این در برابر آن مقاومت می‌کرد. باید دید ترامپ که در روزهای قبل به‌صراحت اعلام کرده بود به ایران امتیازی نخواهد داد، مفاد توافق احتمالی را اجرا خواهد کرد یا خیر. اگر تهران شاهد کارشکنی واشنگتن در این روند باشد بدون شک پیشرفتی در تفاهم احتمالی حاصل نخواهد شد.

ازجمله موارد اختلاف‌برانگیز بین ایران و آمریکا، مسئله خروج نیروهای آمریکایی از منطقه بود که حالا به‌نظر می‌رسد، ایران به دوری نیروهای آمریکایی از مجاورت آب‌های ایران راضی شده است. در حوزه گروه‌های مقاومت و پایان جنگ در همه جبهه‌ها نیز، با توجه به پایبند نبودن اسرائیل به آتش‌بس‌های وضع‌شده، باید دید ترامپ می‌تواند اسرائیل را به پایان جنگ در لبنان و سایر نقاط مجاب کند یا خیر. موشک‌های دوربرد و بالستیک نیز مسئله آشنای بین ایران و آمریکا است؛ ترامپ حتی پیش‌تر گفته بود که این موشک‌ها می‌توانند به اروپا هم برسند. با این حال به‌نظر می‌رسد، طرفین از رسیدگی به این موضوع در این مرحله خودداری کرده‌اند و به‌نظر می‌رسد به موضوع اورانیوم و مدت غنی‌سازی هم فعلاً پرداخته نمی‌شود.

با نزدیک شدن طرفین به توافق، منتقدان ترامپ می‌گویند، جنگی که قرار بود معادلات را تغییر دهد اکنون به بحث بازگشت به همان شرایط پیش از جنگ انجامیده است. پرسش اصلی همچنان پابرجاست: اگر مقصد همان نقطه اول بود، هزینه این مسیر برای چه پرداخت شد؟ این مسئله نشان می‌دهد، واشنگتن میان دو مسیر قرار گرفته است: پذیرش یک توافق دشوار یا حرکت به سمت تشدید که حتی برآوردهای نظامی نیز آن را ساده نمی‌دانند. این همان موضوعی است که سازمان اطلاعات سپاه پیش‌تر در بیانیه‌ای اعلام کرد که ترامپ باید بین «عملیات غیرممکن یا توافق بد با جمهوری اسلامی ایران» انتخاب کند چراکه فضای تصمیم‌گیری برای آمریکا محدود شده است. مجله آمریکایی آتلانتیک به قلم رابرت کیگان، نظریه‌پرداز برجسته و محافظه‌کار نیز با اشاره به مخصه‌ای که دونالد ترامپ به دلیل جنگ‌افروزی علیه ایران به وجود آورده، نوشت که رئیس‌جمهور آمریکا در بحران تنش‌آفرینی خود علیه ایران عملاً به‌دنبال خروج آبرومندانه‌ای است که شکست راهبردی واشنگتن را پنهان کند. دنیس سیترونیویچ، رئیس سابق میز ایران در سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل نیز می‌گوید، رئیس‌جمهور آمریکا مجبور به پذیرش شروط ایران در توافق احتمالی شد زیرا راه‌حل‌های جایگزین بدتر بودند.

ویترین

## خوانش سیاسی شیخ اجل

نگاهی به کتاب **آیین شهریاری در گفتار سیاسی سعدی**

شعر و نظم فارسی یکی از وجوه مهم زبانی در تاریخ اندیشه ایرانی است که گفتار و آموزه‌های سیاسی در آن بازتاب یافته‌اند.



محمود فاضلی

پژوهشگر تاریخ

یکی از چهره‌های پراهمیت در تاریخ ادب فارسی که در به نظم آوردن آموزه‌های سیاسی کوشیده، سعدی است و گفتار سعدی در پرتو آموزه‌های اسلامی شکلی ویژه از آیین شهریاری را به نمایش می‌گذارد. کتاب «آیین شهریاری در گفتار سیاسی سعدی» نوشته مشترک سیدصادق حقیقت و محمد خورشیدی که اخیراً از سوی انتشارات کویر منتشر شده است، در پی آن است تا براساس روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر (با توجه هم‌زمان به زمینه‌های فکری و سیاسی اجتماعی و متون شیخ اجل سعدی شیرازی) اندیشه او را در باره آیین شهریاری تفسیر کند.

در گونه‌شناسی اندیشه سیاسی در اسلام و ایران معمولاً بر حوزه‌هایی چون فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و سیاست‌نامه‌نویسی تأکید می‌شود، ولی شعر و نظم را نیز می‌توان یکی از حوزه‌های اصیل اندیشه سیاسی دانست. اهمیت این حوزه چنان است که بسیاری از اندیشمندان، فقها و فلاسفه و متکلمین و عرفای ایرانی زمانی که خواسته‌اند پنهان شده‌های دل خویش را آزادانه و بی‌تقید بیان کنند، به دامن شعر پناه برده‌اند. با وجود این شعر و نظم فارسی از دیدگاه اندیشه سیاسی، چندان در کانون توجه اندیشه‌مورزان سیاسی و تأملات دانشگاهی قرار نگرفته است. یکی از چهره‌های پراهمیت در تاریخ ادب فارسی که در به نظم آوردن آموزه‌های سیاسی کوشیده، سعدی است. در آثار گوناگون او در قالب‌های نثر و نظم میراث اندیشه سیاسی ایرانی با آموزه‌های اسلامی درآمیخته و در صورتی موزون به بیان درآمده است. گفتار سیاسی سعدی، از منابع مهم و اصیل طرح و انتقال اندیشه سیاسی ایران شهری در دوره میانه اسلامی است که در پرتو آموزه‌های اسلامی شکلی ویژه از آیین شهریاری را به نمایش می‌گذارد. کتاب «آیین شهریاری در گفتار سیاسی سعدی» براساس این دغدغه، آیین شهریاری در گفتار سیاسی سعدی را موضوع قرار داده و در پی آن است تا با توجه هم‌زمان به زمینه‌های فکری و سیاسی-اجتماعی و متون شیخ اجل سعدی، اندیشه او در باره آیین شهریاری را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. در این راستا از روش‌شناسی اسکینر که بر توجه هم‌زمان به متن و زمینه استوار است، بهره برده است. اسکینر برپایه هرمنوتیک قصدگرا در پی شناخت قصد و عملی است که نویسنده و گوینده با نوشتار و گفتار در پی انجام آن بوده است. این روش در فهم بهتر عناصر و مفاهیم بنیادین اندیشه سعدی در مورد شهریاری، ویژگی‌های شهریاری، مبانی مقبولیت شهریاری و آداب شهریاری به ما کمک می‌کند.

در میان سخنوران زبان فارسی تنها کسی که هم در نثر و هم در شعر، اثر عالی و درجه اول آفریده سعدی است. او یکی از شیواترین سخنوران قلمرو شعر و ادب فارسی محسوب می‌شود و آثار شریف او برجسته‌ترین آثار ادبی-سیاسی ادبیات ایران طی ۱۲۰۰ سال گذشته است. شعر بلند سعدی به روانی نثر و نثر زیبای او به شیوایی شعر است و شگفت آن‌که صورت و معنا در آثار او با همه وسعت، هم دوش در بالاترین مرتبه کمال نشسته‌اند. بی‌گمان سعدی یکی از نامدارترین سخن‌سرایان جهان است که بسیاری از اندیشمندان را به ستایش واداشته است.

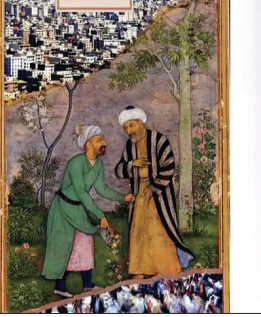
یکی از منابع مهمی که بسیاری از مفاهیم و مضامین و نوع ارزش‌گذاری‌ها و همچنین تفکرات سیاسی را در خود ذخیره می‌کند، ادب فارسی است. بنابراین، برای کشف این مهم لازم است جست‌وجو و کاوشی شایسته در ادبیات صورت گیرد. در مورد اهمیت شعر در بررسی‌های نظام اندیشه ایران می‌توان گفت «ایرانی‌ترین حوزه اندیشه‌مورزی در ایران اسلامی را بایست حوزه شعر دانست، چنان‌چه سپهر اندیشه ایرانی شعر است. در واقع بسیاری از نوشته‌های پراهمیت ادب فارسی، اعم از نظم و نثر، به خلاف آن‌چه بنا بر عادت گفته‌اند، به‌طور اساسی نوشته‌هایی سیاسی‌اند و نه نوشته‌های ادبی صرف و از این حیث، جایی که به آن‌ها در تبعات ادبی داده شده، نشان از این امر دارد که جایگاه این گونه نوشته‌ها در تاریخ اندیشه در ایران و لاجرم، در تاریخ ادب فارسی، از بنیاد، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.»

فصل اول کتاب «آیین شهریاری



در گفتار سیاسی سعدی» یا عنوان «چارچوب نظری»، فصل دوم «زمینه و زمانه دوران سعدی»، فصل سوم «سنت‌های فکری سازنده عرف سیاسی عصر سعدی»، فصل چهارم «هنجارهای مرسوم و عرف رایج آیین شهریاری در متون سیاسی قرن هفتم»

و فصل پنجم «تصرف سعدی در آیین شهریاری» عنوانی این کتاب ۲۹۲ صفحه‌ای است.



آیین شهریاری در گفتار

سیاسی سعدی

سیدصادق حقیقت و محمد

خورشیدی

انتشارات کویر

۲۹۲ صفحه

۵۷۰۰۰۰ تومان

# بیم‌ها و امیدهای نشر

روایت **ابراهیم کریمی** رئیس اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان از وضعیت این روزهای صنعت نشر

**فروش به قیمت قبل و تولید به قیمت روز**

ابراهیم کریمی زنجانی، رئیس اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان تهران و مدیر انتشارات دوستستان می‌گوید افزایش قیمت روزبه‌روز کاغذ، ناشران را دچار مشکل کرده. به ناچار تصمیم گرفته‌اند قیمت را پشت جلد کتاب درج نکنند تا به طور متناسب قیمت را تغییر دهند.

**قطع واردات کاغذ**

ابراهیم کریمی در گفت‌وگو با ایسنا درباره‌ی مسأله‌ی کاغذ و جهش قیمت آن و موضع اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان تهران نسبت به این مسأله می‌گوید: «مسأله‌ی کاغذ در وهله‌ی اول به اتحادیه‌ی کاغذفروشان مربوط می‌شود؛ کاغذ اتحادیه‌ای دارد و ما ناشران خریداران کاغذ هستیم. کاغذ جزو کالاهای اساسی است اما متأسفانه در ماه‌های اخیر شرایط خاصی به وجود آمده و واردات کاغذ مثل خیلی از کالاهای دیگر قطع شده است. متأسفانه قیمت‌ها روزبه‌روز افزایش یافته و ناشران را سخت دچار مشکل کرده است. در گام اول ناشر نیاز به سرمایه‌ی بیشتری برای تولید کتاب دارد. با این قیمت‌های سنگین کاغذ، طبیعی است قیمت‌ها افزایش چشم‌گیری پیدا کند و متأسفانه بیشتر هم خواهد شد. خریداران کتاب از این باب سخت در تنگنا هستند.» کریمی سپس در پاسخ به این پرسش که آیا اتحادیه در تلاش با تعامل با اتحادیه کاغذفروشان است تا مشکلات کمتر شود؟ می‌گوید: «متولی امر کتاب در کشور، وزارت فرهنگ است. در تعاملاتی که اتحادیه با وزارت‌خانه دارد به این موضوع پرداخته و پیگیر هستیم و امیدواریم معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بتواند در این زمینه هم‌چون گذشته کاری انجام دهد. او با اشاره به این‌که مقدار کاغذی که با ارز ارزان‌تر وارد کشور شده بود، به طور کامل در بازار عرضه نشده است، گفت: «اگر همان مقدار که هست عرضه شود، می‌تواند تأثیر خود را بگذارد. ولی موضوع این است که در ماه‌های اخیر واردات کاملاً قطع شد و باید منتظر باشیم تا واردات کالاها شروع شود. با همین قیمت عرضه یکسان هم کاغذی وارد نمی‌شود. نکته مهم الان قطع واردات حالا به هر قیمت است.»

**گزارش: سینمای جهان**

## کن علیه جنگ

نخل طلای ۲۰۲۶ در دست کریستیان مونجیو

برندگان هفتادونهمین دوره جشنواره فیلم کن، شنبه‌شب در مراسم اختتامیه معرفی شدند؛ جشنواره‌ای که بار دیگر مهم‌ترین مؤلفان سینما، فیلمسازان تازه‌کار و مدعیان فصل جوایز را در ساحل ریویری فرانسه گردهم آورد. اصغر فرهادی فیلمساز سرشناس ایرانی نیز در این دوره از جشنواره کن با فیلم «داستان‌های موازی» حضور داشت، با این‌وجود، نخل طلای کن ۲۰۲۶ به فیلم «فیورد» ساخته کریستیان مونجیو رسید؛ فیلمی که جانشین «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی، برنده سال ۲۰۲۵، شد. مونجیو، یازدهمین فیلمساز شد که برای دومین بار، مهم‌ترین جایزه جشنواره را به‌دست می‌آورد؛ او نخستین‌بار ۱۹ سال پیش با فیلم «چهار ماه، سه هفته و دو روز» نخل طلا را برده بود. دیگر برندگان مهم شب اختتامیه شامل «مینوتور» ساخته آندری زویاگینتسوف بود که جایزه بزرگ جشنواره را دریافت کرد، و جایزه بهترین کارگردانی که به‌صورت مشترک به خاویر کالوو و خاویر آمبروسی برای «گوی سیاه» و پاول پاولیکوفسکی برای «سرزمین پدری» رسید.

**فرهادی؛ بدون جایزه و نامزدی**

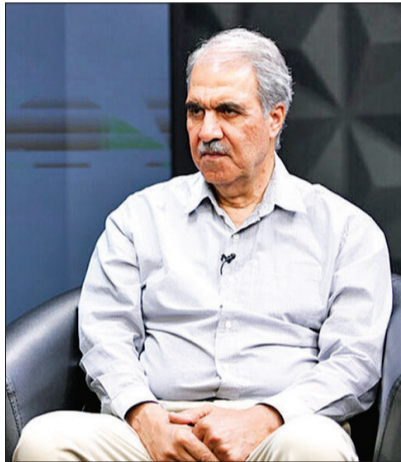
«داستان‌های موازی» دومین فیلم اصغر فرهادی است که به‌طور کامل، خارج از ایران ساخته شده و البته مانند «همه می‌دانند»، نتوانست جایزه مهمی را برای کارگردان صاحب‌نامش به‌همراه بیاورد. البته که همه می‌دانند در سال ۲۰۱۸ نامزد دریافت نخل طلای کن شد اما رقابت را به «دزدان فروشگاه» ساخته هیروکازو کوریتادا واگذار کرد. داستان‌های موازی اما نتوانست در کن ۲۰۲۶ نظر داوران و همچنین منتقدان را به‌خود جلب کند. او فیلم را براساس یکی از قسمت‌های مجموعه ده فرمان کریستوف کیشلوفسکی و با حضور بازیگران مطرحی چون ایزابل هوبر، ونسان کسل و کاترین دنو ساخت. فیلمی که برخی منتقدان آن را تلفیقی از «فیلمی کوتاه درباره عشق» کیشلوفسکی و «پنجره عقبی» آلفرد هیچکاک دانستند، با این‌وجود «داستان‌های موازی» ناموفق‌ترین فیلم فرهادی در جشنواره کن بود. پنج فیلم آخر او قبل از «داستان‌های موازی» نامزد دریافت نخل طلا شده و دو بار با «فروشنده» و «قه‌رمان» این جایزه را به‌دست آورده بود. شاید مهم‌ترین دلیل عدم‌توفیق این فیلم در مجامع سینمایی، دوری فرهادی از ایران و فیلمسازی در فرهنگی متفاوت باشد، ضمن اینکه خودش در آخرین گفت‌وگویی که انجام داده، گفته است که فیلم را براساس یک سفارش ساخته است. او البته پیشنهاد ساخت سریالی براساس ده فرمان کیشلوفسکی

**سخت‌تر شدن مبارزه با چاپ غیرقانونی**

رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان همچنین درباره‌ی مبارزه با چاپ غیرقانونی کتاب‌های ناشران نیز گفت: «اتحادیه در دوره‌های قبیل در کارگروهی با عنوان «کارگروه صیانت» با همکاری وزارت فرهنگ، نیروی انتظامی، شهرداری و قوه قضاییه مقداری زیادی از این کتاب‌ها را که با تیراژ بالا تولید می‌شد، ثبت و ضبط کرد که در نهایت این کتاب‌ها امحا شدند. اما با توجه به امکان چاپ دیجیتال کتاب که می‌شود کتاب‌ها را در نسخه‌های کمتر تولید کرد، دیگر در آن وسعت و تیراژهای بالا تولید نمی‌کنند و این موضوع به‌مراتب مقابله با این پدیده را سخت‌تر کرده است. هم‌چنان در اتحادیه پیگیر این موضوع هستیم ولی هماهنگی و همراهی نهادهایی که لازم است در این زمینه همکاری کنند، کار سختی است.»

**فروش صرفه اقتصادی ندارد**

او سپس درباره‌ی نمایشگاه مجازی کتاب تهران و انتقاد مطرح درباره‌ی افزایش هزینه‌های بسته‌بندی و پست فروش کتاب‌های کم‌قیمت که صرفه اقتصادی ندارد، گفت: «متأسفانه شرایط سخت شده است. برای ناشر، فروش کتاب‌های کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با توجه به هزینه‌های ارسال، صرفه اقتصادی ندارد و صرفاً تعهد فرهنگی است یا اینکه نیاز شدید مالی دارد. ناشران این وضعیت را دارند تحمل می‌کنند.» کریمی درباره‌ی این‌که آیا نمایشگاه کتاب را مفید می‌داند؟ گفت: «این موضوع دو بخش دارد، یک بخش بعد فرهنگی مسأله است؛ کتاب از هر طریق و فرصتی به مخاطب برسد کار خوبی است. اما بخش دیگر بعد اقتصادی و کسب و کار است. اگر مشکلات را برطرف و مسائل آن را حل کنیم از هر طریق که کتاب البته کتاب سالم و از راه‌های سالم، به دست مردم برسد خوب است، چرا که نه؟» او هم‌چنین درباره‌ی اینکه نمایشگاه برخلاف تصورات و تیرینی برای معرفی کتاب نیست و بیشتر فروشگاه است و درباره‌ی نمایشگاه مجازی کتاب این موضوع بیشتر نمود دارد، گفت: «امیدوارم همه آژدها به‌معنای واقعی خود استفاده شوند. می‌گوییم (نمایشگاه) ولی فروشگاه بزرگ



داشته که در نهایت پس از صحبت با کریستوف پیسویج، نویسنده کارهای کارگردان بزرگ لهستانی به این نتیجه می‌رسد که تنها یک قسمت آن را تبدیل به فیلم کند. موضوع جالب اینجاست که احتمالاً این فیلم فرهادی نیز مجوز اکران داخلی را نخواهد داشت و مخاطبان ایرانی باید در انتظار یافتن آن در فضای مجازی باشند.

**فیورد؛ مطالعه ارزش‌های مترقی و سنتی**

«فیورد» که از چند رخداد واقعی اخیر الهام گرفته، خود را به‌عنوان مطالعه‌ای درباره شکاف عمیق میان ارزش‌های مترقی و سنتی معرفی می‌کند. داستان درباره خانواده گنورگیو، مسیحیان انجیلی متعصب رومانیایی است که به شهری کوچک در نروژ، در حاشیه یک فیورد، مهاجرت می‌کنند. میهای با بازی سباستین استن -که پیش‌تر برای ایفای نقش دونالد ترامپ در فیلم «کارآموز» ساخته علی عباسی مورد تحسین قرار گرفته بود- مهندس هوانوردی رومانیایی است که با زنی نروژی به‌نام لیست ازدواج کرده است. وقتی آنها به زادگاه زن بازمی‌گردند، میهای با بخشی از خانواده گسترده همسرش، دوباره ارتباط برقرار می‌کند و در جامعه انجیلی محلی به‌عنوان برنامه‌نویس کامپیوتر مشغول به‌کار می‌شود. آنها که عمیقاً مذهبی هستند، فرزندانشان را با انضباطی سخت‌گیرانه و تعهدی افراطی بزرگ می‌کنند. در ابتدا، همسایه‌ها و نهادهای اجتماعی از آنها استقبال می‌کنند، اما همه چیز زمانی تغییر می‌کند که معلم مدرسه متوجه کودکی‌های مشکوک روی بدن یکی از دختران خانواده می‌شود.

**گردنپری؛ مینوتور ساخته کارگردان روس**

جایزه بزرگ جشنواره یا گردنپری نیز به فیلم «مینوتور» ساخته کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس روس، آندری زویاگینتسوف رسید؛ فیلمی که جایگزین «ارزش احساسی» ساخته یواخیم تریه، برنده سال ۲۰۲۵، شد. زویاگینتسوف در سخنرانی خود پیامی سیاسی مطرح کرد و مستقیماً ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، را خطاب قرار داد و با اشاره به جنگ روسیه و اوکراین از او خواست این کشتار را متوقف کند. او به زبان روسی گفت: «شخص دیگری هم هست که امروز می‌خواهم شخصاً خطابش قرار دهم. او احتمالاً این مراسم را با وی‌پی‌ان دنبال نمی‌کند، چون در حال حاضر تصمیم‌های بسیار مهم‌تری برای گرفتن دارد.»

نقد فیلم

## سیاست در بن بست

نگاهی به فیلم **قمارباز** ساخته محسن بهاری

در تاریخ سینمای استرالیایی ایران، همواره عادت کرده‌ایم جنگ را با غبار بیابان، غرش تانک‌ها و صفر گلوله‌ها در مرزهای جغرافیایی بشناسیم.

عدنان شاه‌طایی

منتقد

تهیه‌کننده سجاد نصراللهی‌نسب در فیلم «قمارباز» با جسارتی ستودنی، تعریف «خطمقدم» را تغییر داده است. او «جنگ دوازده روزه» خرداد گذشته را از خاکریزهای جنوب به پشت دیوارهای شیشه‌ای برج‌های اداری و آپارتمان‌های سرد شمال پایتخت می‌کشاند. در این فیلم، دشمن یک شیخ دیجیتال است که بانفوذ به لایه‌های پنهان سیستم بانکی، نه خاک که «ارزش پول ملی» و «اعتماد عمومی» را نشانده رفته است. «قمارباز» روایتی است از لحظاتی که یک ملت، در میانه نبردی نظامی، ناگهان با فلج شدن نبض اقتصادی‌اش روبه‌رو می‌شود؛ جایی که یک «اینتر» ساده، می‌تواند از یک موشک بالستیک ویرانگرتر عمل کند. ساختار فیلمنامه «نصراللهی‌نسب» بر پایه تعلیق فزاینده و ریتم درونی کلمات بنا شده است. فیلم با یک سکانس پلان از آشفتگی در تالار معاملات آغاز می‌شود و بلافاصله تماشاگر را به فضای کلاستروفوبیک یک شب بی‌پایان می‌برد. اینجاست که «آرمین رحیمیان» با بازی درخشان خود در نقش مأمور امنیتی پرونده، با آن نگاه‌های سری و لحن خونسرد و قاطع اما لرزان، دوبلی را با «کوروش تهمانی» در نقش متخصص ارشد بانک، آغاز می‌کند. فیلمنامه به دام زدو خوردهای فیزیکی نمی‌افتد و تمرکزش را روی «دیالوگ‌های استراتژیک» می‌گذارد. هر کلمه در این فیلم، مانند مهره‌ای در یک شطرنج مرگبار جابه‌جا می‌شود. فیلمساز به خوبی می‌داند که در یک تریلر امنیتی آنچه «گفته نمی‌شود» بسیار هولناک‌تر از آن چیزی است که به زبان می‌آید. «سکوت‌های مسلح» بار اصلی درام را به دوش می‌کشند و مخاطب را تا لحظه آخر در تعلیق میان خیانت و خدمت نگه می‌دارند. اگر شخصیت مأمور را «نماد حاکمیت» و متخصص را «تخصص در معرض لغزش» بدانیم، حضور «شبنم مقدمی» در فیلم، حیاتی‌ترین لایه دراماتیک و وجدانی اثر را می‌سازد. او در نقش همسری که ناگهان خود را در میانه یک پرونده بزرگ جاسوسی و هک می‌بیند، بازی بسیار خیره‌کننده‌ای ارائه داده است. او در پیشبرد گرهای داستانی، از یک مکمل ساده فراتر می‌رود؛ و در واقع «اهرم فشار انسانی» بر ساختار سنگی سیاست است. او تنها کسی است که می‌تواند از سد کبر تکنولوژیک کاراکتر «تهمانی» عبور کند و او را با تبعات انسانی کارهایش روبه‌رو سازد.

در یک سکانس درخشان «مواجهه در آتشی‌خانه»؛ او با یک پرسش ساده درباره «قیمت شرافت» گری را باز می‌کند که تمام ابزارهای شنود و بازجویی مأمور از انجاش ناتوان است. شخصیت «شبنم مقدمی» واسطه میان دنیای سرد صفر و یک‌ها و دنیای گرم عواطف است؛ او به مخاطب یادآوری می‌کند که پشت هر کد مخرب، یک زندگی در حال فروپاشی است. از منظر تکنیکی «قمارباز» یک دستاورد درخشان برای سینمای تریلر در ایران محسوب می‌شود.

استفاده هوشمندانه از دوربین‌های مدار بسته، حس «تحت‌نظارت بودن دائمی» را به بیننده القا می‌کند. نورپردازی‌های پرکاربرد آکنده از سایه‌ها و نورهای موضعی آبی و سبز رنگ (یادآور اتاقک سرورها) می‌باشد که چهره بازیگران را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. فیلمساز با استفاده از صدای ممتد پدافند در دوردست و ترکیب آن صدای فلزی کی‌بورد، پارادوکسی از نبرد فیزیکی و سایبری خلق کرده است. تدوین ماهرانه و ریتمیک فیلم نیز به گونه‌ای است که مخاطب هرگز فرصت پلک‌زدن پیدا نمی‌کند؛ گویی ما نیز مانند شخصیت‌های فیلم، تنها دوازده روز فرصت داریم تا از یک فاجعه ملی، جلوگیری کنیم. «کوروش تهمانی» از قالب همیشگی‌اش فاصله گرفته و با حسسی از نبوغ، غرور و ترس را به نمایش گذاشته است. ارتباط او در لحظاتی که می‌فهمد بازیچه جریانی بزرگ‌تر شده، یکی از نقاط عطف بازیگری اوست. آرمین رحیمیان نیز با متانتی که در صدايش دارد، تیپ جدیدی از مأمور امنیتی را در سینمای ایران خلق کرده است، مأموری وظیفه‌شناس که بیش از اسلحه، به روانشناسی نفوذ و تحلیل رفتاری اتکا دارد. کارگردان «قمارباز» ثابت می‌کند در سینمای استرالیایی، لزوماً نباید شعار سر دهد. او با تمرکز بر «انسان» در میانه «بحران»، فیلمی ساخته که هم استانداردهای بین‌المللی ژانر را دارد و هم به‌شدت بومی و دغدغه‌مند است. عنوان «قمارباز» بزرگ‌ترین استعاره اثر است. در جهان این فیلم، همه در حال قمار هستند. نفوذی‌ها روی فروپاشی اقتصادی یک کشور حساب باز کرده‌اند، مأمور روی شرافت شغلی‌اش ریسک می‌کند و زن روی بقای خانواده‌اش. فیلم از ما می‌پرسد: «در میانه جنگ»، قیمت یک «کلیک» چقدر است؟ سازنده فیلم به مخاطب نهیب می‌زند که نفوذ، همواره از سوی غریبه‌ها نیست؛ گاهی نفوذ از درون وجدان‌هایی رخ می‌دهد که میان وسوسه و تعهد، قمار اشتباهی را برمی‌گزینند. هک بانک در خلال آن دوازده روز، نمادی از عریانی انسان مدرن در برابر تهدیداتی است که نه صدا دارند و نه دود، اما معیشت او را به تاراج می‌برند. فیلم «قمارباز» می‌تواند در دانشکده «چگونه یک فیلم ماندگار بسازیم» به‌عنوان الگوی «ایجاد تعلیق در فضای یک آپارتمان محدود»، تدریس شود. این فیلم، پیروزی اندیشه‌شیر بهر هیاهو و سینمای دغدغه‌مند بر سینمای تجاری است.



### جای خالی فرانکلین

این فعال نشر درباره امکان تولید کتاب ارزان برای دسترسی بیشتر به کتاب نیز بیان کرد: «در کشور خودمان سابقه چنین کاری را داشتیم؛ در دهه ۱۳۴۰ مؤسسه فرانکلین، سازمان کتاب‌های جیبی، کتاب‌ها را در قطع جیبی با کاغذ کاهی تولید می‌کرد و ادعایش هم این بود که قیمت یک جلد کتاب معادل بلیت سینما، ۲۵ ریال یا حداکثر ۳۰ ریال است. این مؤسسه کتاب‌های جیبی را در تیراژ ۵۰۰۰ نسخه تا ۱۰ هزار نسخه منتشر می‌کرد که استقبال خوبی هم می‌شد. امروزه متأسفانه این پدیده در صنعت نشر ما نیست.» او درباره امکان حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از چند ناشر برای تولید این کتاب‌های ارزان افزود: «اگر وزارت فرهنگ بخواهد حمایتی داشته باشد، این حمایت باید عام باشد نه از یک ناشر خاص، این وزارت‌خانه باید به مجموعه صنعت نشر کمک کند؛ کتاب‌فروش، ناشر و حتی پخش‌گر.»

### نباید تقسیم شویم

کریمی درباره حاشیه‌های انتخابات اخیر اتحادیه و مطرح شدن موضوع جدایی اتحادیه ناشران از اتحادیه کتاب‌فروشان نیز گفت: «این پرسش هم پرداختن به مسائل دیروز است ولی بهتر این است که هر نهادی یا نهادهای گوناگون به دنبال اتحاد با هم باشند تا قوی‌تر شوند، نه آنچه را که هست، تقسیم کرده و روزیروز ضعیف‌تر شوند. این موضوع را نمی‌پسندم، از ابتدا اتحادیه، اتحادیه کتاب‌فروشان و ناشران و سپس پخش‌گران (توزیع‌کنندگان) کتاب بود است. خوب است بیشتر در کنار هم باشیم و به هم کمک

برگزار می‌کنیم. به سهم خود امیدوارم به مرحله‌ای برسیم که نمایشگاه کتاب واقعاً محل نمایش، معرفی و عرضه کتاب باشد و فروش کتاب به عهده کتاب‌فروش و ناشر تولیدکننده باشد؛ کتاب‌فروش عرضه‌کننده و پاسخ‌گوی نیازهای مخاطبین است. امیدوارم به مرحله‌ای برسیم که نمایشگاه محل تعامل اهل فرهنگ باشد و فروش را نیز به عهده کتاب‌فروش بگذارد.

### به آینده صنعت نشر و کتاب امیدوارم

او در پاسخ به این پرسش که این گزاره در ذهن‌ها وجود دارد که مردم کمتر کتاب می‌خرند یا کتاب به دلیل مشکلات معیشتی جایی در سبد خانوادها ندارند، توضیح داد: «این موضوع می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد ولی واقعیت این است که استقبال از کتاب در طی این دو ماه اخیر بیشتر شده است و این موضوع جای خوشحالی دارد. از طرف دیگر کتاب نسبت به کالاهای دیگر گران نیست ولی نسبت به قدرت خرید اهالی فرهنگ و طبقه کتاب‌خوان گران است. بخش فرهنگ همواره نیازمند حمایت است و در نقاط دیگر جهان هم همین کار را می‌کنند. فرهنگ جایی است که هرچه قدر هزینه کنیم در واقع سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. زحمت دوستان ناشر و کتاب‌فروشان شایسته قدردانی است که با این هزینه‌های سنگین هم‌چنان دارند کتاب عرضه می‌کنند. اهالی فرهنگ نیز در همین شرایط سخت کار می‌کنند. برایم بسیار جالب است که خوشبختانه با همه مشکلات اقتصادی اهالی فرهنگ و مردم دارند از کتاب استقبال می‌کنند. به همین دلیل هم چنان به آینده صنعت نشر و کتاب امیدوارم.»

زویاگینتسوف ادامه داد: «میلیون‌ها نفر در دو سوی خط تماس فقط یک آرزو دارند: اینکه این قتل‌عام‌ها بالاخره متوقف شود. و تنها کسی که می‌تواند به این خونریزی پایان دهد، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه است. تمام جهان منتظر همین است.»

جایزه بهترین کارگردانی مشترک به خاویر آمبروسی و خاویر کالوو برای فیلم «لا بولا نگرا» و پاول پاولیکوفسکی برای فیلم «سرزمین پدری» رسید؛ جایزه‌ای که سال گذشته نصیب کلیر مندوسا فیلیو برای «مأمور مخفی» شده بود.

پاولیکوفسکی هنگام دریافت جایزه روی صحنه گفت: «سینما باید بازتاب وضعیت سیاسی باشد، اما نه براساس دستور و اجبار. در این دنیا شجاعت می‌خواهد که درباره



چیزی صحبت کنی که مردم واقعاً می‌بینند. هنر باید فضایی آزاد داشته باشد. هر روز افراد بیشتری متقاعد می‌شوند که در سمت درست ایستاده‌اند.»

او که به حواشی اخیر مربوط به پانفرم ضد بولور و تأثیر آن بر جشنواره کن اشاره داشت، افزود: «سینما باید مقاومت کند، و به همین دلیل ما این فیلم را ساختیم». پیش از اعلام جایزه بهترین کارگردانی، زاویه دولان، فیلمساز و فیلمنامه‌نویس کبکی، به محمود درویش، شاعر و نویسنده فلسطینی، ادای احترام کرد و بخشی از شعر مشهور او را خواند: «بر این زمین چیزی هست که شایسته زندگی‌ست؛ تردید ماه آوریل، بوی نان در سپیده‌دم، نظر یک زن درباره مردان، نوشته‌های آشیل، آغاز عشق، علفی روی سنگ، مادرانی ایستاده بر رخ فلوت، و ترسی که حافظه در دل فاتحان می‌اندازد.»

هیأت داوران بخش مسابقه اصلی امسال به ریاست پارک چان-ووک، فیلمساز کره‌ای، برگزار شد و ۱۹ فیلم بلند در بخش رقابتی حضور داشتند.

### مهم‌ترین ویژگی‌های کن ۲۰۲۶

جشنواره کن امسال با چند روند مشخص شناخته می‌شود: تمرکز بیشتر بر سینمای مؤلف و مستقل، حضور پررنگ فیلم‌هایی درباره جنگ، تبعید، مهاجرت و درگیری‌های سیاسی، و کاهش محسوس آثار هالیوودی و بلاک‌باستری نسبت به سال‌های گذشته. جشنواره همچنین توجه ویژه‌ای به روایت‌های بین‌المللی و تاریخی داشت؛ آثاری که با رجوع به گذشته، درباره اقتدارگرایی و تنش‌های اجتماعی امروز صحبت می‌کردند. فیلم‌های هنری و کارگردان‌محور بیش از همه در مرکز توجه بودند و بسیاری از منتقدان، فهرست امسال را شخصی‌تر، جسورانه‌تر و دورتر از سینمای فرنچایز توصیف کردند. موضوعاتی چون جنگ، مهاجرت، هویت، سوگ و تأثیرات روانی خشونت، از مهم‌ترین مضامین آثار امسال بودند. نقش فرهنگی جشنواره نیز فراتر از سینما رفته و حوزه‌هایی چون مد، لوکس‌گرایی، سلامت و فناوری بیش از گذشته در حاشیه کن دیده شدند.

### ایرانی‌ها در کن ۲۰۲۶

سعید روستایی با فیلم «زمین بازی» در جشنواره امسال کن حضور داشت اما در بخش جنبی فیلم کوتاه نتوانست به موفقیت برسد. فیلم «تمرین‌هایی برای یک انقلاب» به کارگردانی پگاه آهنگرانی اما موفق شد در بخش مستند جشنواره کن جایزه «چشم طلایی» و بهترین فیلم مستند جشنواره فیلم را به‌دست بیاورد.

سال گذشته جعفر پناهی با «فقط یک تصادف» برنده نخل طلا شد و یواخیم تریه نروژی جایزه بزرگ جشنواره را برای «ارزش احساسی» دریافت کرد. سال قبل ژولیت بینوش ریاست هیأت داوران را برعهده داشت، جایگاهی که در سال ۲۰۲۴ در اختیار گرتا گروگ بود. در کن ۲۰۲۶ همچنین فیلم «روابط نوجوانانه و مرگ در کمپ میازما» ساخته جین شونبرون، افتتاحیه بخش «نوعی نگاه» را برعهده داشت؛ نشانه‌ای از ادامه سیاست جشنواره در ترکیب نام‌های تثبیت‌شده با استعدادهای تازه.



سال نهم شماره ۲۲۴۰  
دوشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۵

**دیدگاه: یادداشت اقتصادی**

## تأمین مالی طلائی

**چرا روسیه در حال فروش ذخایر طلای خود است؟**

<b>مهتا معرفت</b>
<div><span>مترجم</span></div>

کاهش قابل‌توجه ذخایر طلای روسیه در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۲۶ توجه تحلیلگران اقتصادی و بازارهای جهانی را به‌خود جلب کرده است. براساس داده‌های منتشرشده، دارایی‌های طلای بانک مرکزی روسیه در چهار ماه نخست سال ۲۰۲۶ حدود ۹۰۰ هزار اونس کاهش یافته و به ۷۳٫۹ میلیون اونس رسیده است. رقمی که پایین‌ترین سطح ذخایر طلای این کشور از فوریه ۲۰۲۲ محسوب می‌شود. با توجه به میانگین قیمت حدود ۴۸۰۰ دلار برای هر اونس طلا در این بازه، تخمین زده می‌شود که روسیه از محل فروش این حجم طلا حدود ۴٫۳ میلیارد دلار درآمد کسب کرده باشد. این روند در نگاه اول عجیب به نظر می‌رسد زیرا روسیه طی سال‌های گذشته یکی از بزرگ‌ترین خریداران طلا در جهان بود و همواره تلاش می‌کرد، سهم دلار را در ذخایر ارزی خود کاهش دهد. اما شرایط اقتصادی و ژئوپلیتیکی جدید، مسکو را وارد مرحله‌ای متفاوت کرده است. مرحله‌ای که در آن نقدشوندگی و تأمین مالی کوتاه‌مدت اهمیت بیشتری نسبت به انباشت بلندمدت طلا پیدا کرده است. مهم‌ترین دلیل فروش طلا توسط روسیه، فشارهای شدید مالی ناشی از جنگ اوکراین و کاهش درآمدهای انرژی است. اقتصاد روسیه در سال‌های اخیر به‌شدت به صادرات نفت و گاز وابسته بوده و بخش بزرگی از بودجه دولت از همین محل تأمین می‌شود. با این حال تحریم‌های غرب، محدودیت‌های صادراتی و کاهش قیمت نسبی انرژی نسبت به دوران اوج بحران انرژی اروپا، درآمدهای ارزی مسکو را کاهش داده است. هم‌زمان هزینه‌های نظامی و امنیتی روسیه به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و کسری بودجه دولت را تشدید کرده است. در چنین شرایطی، دولت روسیه ناچار شده برای جبران کمبود منابع مالی از ذخایر استراتژیک خود استفاده کند. سال گذشته وزارت دارایی روسیه بخشی از دارایی‌های طلا و ارز خارجی موجود در صندوق رفاه ملی را نقد کرد تا بتواند بخشی از کسری بودجه را پوشش دهد. اکنون نیز به نظر می‌رسد، بانک مرکزی روسیه همین مسیر را ادامه می‌دهد و بخشی از ذخایر طلای خود را وارد بازار کرده است. عامل مهم دیگر، محدود شدن دسترسی روسیه به ذخایر ارزی خارجی است. پس از آغاز جنگ اوکراین، کشورهای غربی بخش قابل‌توجهی از ذخایر ارزی روسیه را مسدود کردند. این اتفاق باعث شد، کرملین بیش از گذشته به دارایی‌های فیزیکی و قابل دسترسی مانند طلا متکی شود. اما طلا نیز زمانی ارزش عملیاتی دارد که بتوان آن را به نقدینگی تبدیل کرد. روسیه برای تأمین واردات، تثبیت نرخ روبل، پرداخت هزینه‌های جنگ و حفظ جریان مالی داخلی به ارز نی‌ساز دارد و فروش طلا یکی از معدود راه‌های دستیابی به نقدینگی بین‌المللی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، قیمت بالای جهانی طلا انگیزه فروش را تقویت کرده است. در شرایطی که قیمت هر اونس طلا به سطوح تاریخی رسیده، فروش بخشی از ذخایر می‌تواند درآمد قابل‌توجهی برای دولت ایجاد کند. در واقع روسیه اکنون در حال بهره‌برداری از رشد قیمت طلاست تا بدون افزایش شدید بدهی یا چاپ گسترده پول، بخشی از فشار مالی خود را کاهش دهد. با این حال این سیاست بدون هزینه نیست. ذخایر طلا برای روسیه تنها یک دارایی اقتصادی نیست بلکه بخشی از سپر ژئوپلیتیکی این کشور در برابر تحریم‌های غرب به شمار می‌رود. کاهش ذخایر طلا می‌تواند توان مالی روسیه را در بلندمدت محدود کند و حاشیه امنیت این کشور را در برابر بحران‌های آینده کاهش دهد. به همین دلیل برخی تحلیلگران معتقدند، ادامه این روند ممکن است نشانه‌ای از افزایش فشار اقتصادی بر کرملین باشد. در عین حال روسیه تلاش می‌کند این‌س فروش‌ها را به‌گونه‌ای مدیریت کند که بازار جهانی طلا دچار شوک نشود. عرضه ناگهانی حجم بالایی از طلا می‌تواند قیمت‌ها را تحت فشار قرار دهد و ارزش ذخایر باقی‌مانده روسیه را کاهش دهد. بنابراین احتمالاً بخش زیادی از این فروش‌ها به‌صورت تدریجی و از طریق کانال‌های غیرمستقیم انجام می‌شود. در مجموع، فروش ذخایر طلای روسیه را باید نتیجه ترکیب چند عامل دانست: کاهش درآمدهای انرژی، افزایش هزینه‌های جنگ، محدودیت دسترسی به ذخایر ارزی خارجی و فرصت استفاده از قیمت‌های بالای طلا. این روند نشان می‌دهد حتی کشورهایی که سال‌ها برای کاهش وابستگی به دلار و انباشت طلا تلاش کرده‌اند، در زمان فشار اقتصادی شدید ناچار می‌شوند از همان ذخایر استراتژیک برای حفظ ثبات مالی و بودجه‌ای خود استفاده کنند.

# توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

# بحران هرمز

## چرا امنیت انرژی دوباره به دغدغه اصلی جهان تبدیل شده است؟

<b>سعید خوش‌بین</b>
<div><span>روزنامه‌نگار</span></div>

گزارش تازه آژانس بین‌المللی انرژی، تصویری نگران‌کننده از وضعیت بازار جهانی نفت ارائه می‌دهد. بازاری که هم‌زمان با جنگ خاورمیانه، اختلال در تنگه هرمز و افت عرضه نفت وارد مرحله‌ای شکننده و پرریسک شده است. در این گزارش، آژانس هشدار می‌دهد که هرچند رشد تقاضای جهانی نفت در نیمه دوم سال کاهش می‌یابد اما محدودیت عرضه و نااطمینانی ژئوپلیتیکی همچنان می‌تواند، قیمت‌ها را در سطوح بالا نگه دارد. تنگه هرمز که حدود یک‌پنجم تجارت جهانی نفت از آن عبور می‌کند اکنون به مهم‌ترین گلوگاه انرژی جهان تبدیل شده است. از زمان آغاز جنگ در خاورمیانه، اختلال در عبور نفتکش‌ها و کاهش صادرات کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، بازار جهانی نفت را با شوکی بی‌سابقه روبه‌رو کرده است. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی از فوریه ۲۰۲۶ تاکنون بیش از ۱۲.۸ میلیون بشکه در روز از عرضه جهانی نفت کاهش یافته و بخش مهمی از این افت به دلیل محدودیت صادرات از منطقه خلیج‌فارس بوده است. این مسئله باعث شده، ذخایر نفتی جهان با سرعتی کم‌سابقه کاهش پیدا کند. بر اساس داده‌های این گزارش، تنها در ماه‌های مارس و آوریل، ذخایر جهانی نفت حدود ۲۵۰ میلیون بشکه کاهش یافته است. این افت شدید موجودی‌ها نشان می‌دهد، بازار نفت اکنون بیش از هر زمان دیگری به ذخایر راهبردی و ذخیره‌سازی اضطراری وابسته شده است. بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده، به‌ویژه اعضای آژانس بین‌المللی انرژی، ذخایر استراتژیک خود را وارد بازار کرده‌اند تا بخشی از کمبود عرضه را جبران کنند. گزارش تأکید می‌کند که آزادسازی هماهنگ ذخایر نفتی توسط کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی تاکنون حدود ۴۰۰ میلیون بشکه نفت به بازار تزریق کرده است. با این حال این اقدام تنها بخشی از شکاف عرضه را پوشش داده و بازار همچنان در وضعیت کسری قرار دارد. آژانس هشدار می‌دهد که حتی اگر تنش‌های خاورمیانه در ماه‌های آینده کاهش یابد و عبور نفت از تنگه هرمز به‌تدریج از سر گرفته شود، بازسازی ذخایر نفتی جهان ممکن است چندین سال زمان ببرد. به بیان دیگر بحران فعلی صرفاً یک شوک کوتاه‌مدت نیست بلکه می‌تواند، ساختار بازار جهانی انرژی را در میان‌مدت نیز تحت تأثیر قرار دهد. در سمت تقاضا آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی می‌کند، رشد مصرف جهانی نفت در نیمه دوم سال ۲۰۲۶ به‌طور محسوسی کاهش یابد. براساس این گزارش، تقاضای جهانی نفت در کل سال ۲۰۲۶ حدود ۴۲۰ هزار

**دیدگاه: تحلیل اقتصادی**

## سبز سبز

### بازار سهام چگونه به مقصد اصلی نقدینگی تبدیل شد؟

<b>نسرين خدادادی</b>
<div><span>گروه اقتصاد</span></div>

معاملات بورس تهران دیروز در شرایطی به پایان رسید که بازار سهام یکی از کم‌نظیرترین روزهای تاریخ خود را تجربه کرد؛ روزی که تقریباً تمامی نمادهای قابل معامله در محدوده مثبت قرار داشتند و اکثریت بازار با صف خرید بسته شد. فضای معاملات به‌قدری یک‌طرفه و به سود خریداران بود که از میان صدها نماد فعال بازار تنها چهار نماد در محدوده منفی معامله شدند و ۷۶۶ نماد نیز با صف خرید به کار خود پایان دادند؛ آماري که نشان‌دهنده بازگشت گسترده خوش‌بینی به بورس و افزایش محسوس ریسک‌پذیری معامله‌گران است. اگرچه به دلیل تداوم دامنه نوسان ۳ درصدی همچنین متوقف بودن برخی نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز، شاخص‌های بازار رکورد تاریخی جدیدی ثبت نکردند اما از نظر تعداد نمادهای مثبت، شدت تقاضا و گستردگی صفوف خرید، بازار یکی از بهترین روزهای تاریخ خود را پشت سر گذاشت. بسیاری از فعالان بازار معتقدند، بورس پس از دوره‌ای طولانی از رکود، نااطمینانی سیاسی و خروج نقدینگی اکنون وارد فاز تازه‌ای از امیدواری شده است. در پایان معاملات

بشکه در روز کاهش خواهد یافت و مصرف جهانی به حدود ۱۰۴ میلیون بشکه در روز می‌رسد. این نخستین افت قابل‌توجه تقاضا پس از شوک‌های انرژی سال‌های گذشته محسوب می‌شود. علت اصلی این کاهش، افزایش شدید قیمت نفت، کند شدن رشد اقتصادی و اجرای سیاست‌های صرفه‌جویی انرژی در بسیاری از کشورهاست. دولت‌ها و شرکت‌ها برای مقابله با بحران انرژی اقداماتی مانند سهمیه‌بندی سوخت، کاهش ساعات کاری، محدودیت مصرف و کنترل قیمت‌ها را اجرا کرده‌اند. برخی کشورهای آسیایی حتی به سمت هفته کاری چهار روزه رفته‌اند تا مصرف سوخت را کاهش دهند. بخش پتروشیمی و حمل‌ونقل هوایی بیشترین آسیب را از این بحران دیده‌اند. اختلال در صادرات LPG و فرآورده‌های پتروشیمی از خلیج‌فارس باعث شده که صنایع پتروشیمی آسیا، به‌ویژه در چین، ژاپن و کره جنوبی، با کمبود خوراک مواجه شوند. هم‌زمان افزایش هزینه سوخت و محدودیت پروازها، صنعت هوانوردی را نیز تحت فشار قرار داده است. طبق گزارش، تقاضای سوخت جت نسبت به پیش‌بینی‌های قبل از جنگ به‌شدت افت کرده و بسیاری از مسیرهای هوایی خاورمیانه همچنان مختل هستند. اما درحالی که کاهش تقاضا می‌توانست به افت قیمت‌ها منجر شود، محدودیت عرضه و فضای پرتش ژئوپلیتیکی مانع از کاهش جدی قیمت نفت شده است. قیمت نفت برنت در ماه آوریل تا محدوده ۱۴۴ دلار در هر بشکه افزایش یافت و اگرچه بعداً بخشی از رشد خود را از دست داد اما همچنان در سطوح بسیار بالا باقی مانده است. بازار نفت اکنون بیش از آنکه تحت‌تأثیر عوامل سنتی عرضه و تقاضا باشد به اخبار سیاسی و تحولات امنیتی واکنش نشان می‌دهد. یکی از نکات مهم گزارش، نگرانی فزاینده درباره امنیت انرژی در اروپا و آسیاست. اروپا که هنوز آثار بحران انرژی پس از جنگ اوکراین را فراموش نکرده اکنون بار دیگر با تهدید کمبود انرژی روبه‌رو شده است. بسیاری از دولت‌های اروپایی برای مهار تورم انرژی مجبور به کاهش مالیات سوخت و پرداخت یارانه شده‌اند؛ اقدامی که فشار زیادی بر بودجه عمومی وارد می‌کند. در آسیا نیز شرایط پیچیده‌تر است زیرا بسیاری از اقتصادهای بزرگ این منطقه به واردات نفت و گاز خاورمیانه وابسته‌اند. کشورهایی مانند هند، ژاپن و کره‌جنوبی بیشترین آسیب را از اختلال در تنگه هرمز دیده‌اند. هند به‌ویژه با بحران کمبود LPG مواجه شده و دولت این کشور مجبور به مداخله گسترده برای کنترل بازار شده است. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی همچنین نشان می‌دهد که جریان تجارت جهانی نفت در حال تغییر است. کشورهای حوزه آتلانتیک مانند آمریکا، برزیل و کانادا صادرات نفت خود را افزایش داده‌اند تا بخشی از کمبود عرضه خاورمیانه را جبران کنند. صادرات نفت آمریکا و

آمریکای لاتین به بازارهای آسیایی به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و مسیرهای جدید تجاری در حال شکل‌گیری است.

افزون بر پیامدهای مستقیم اقتصادی، بحران تنگه هرمز در حال تغییر دادن نگاه دولت‌ها به مفهوم «امنیت انرژی» نیز هست. طی دو دهه گذشته بسیاری از کشورها تصور می‌کردند جهانی‌سازی و تنوع عرضه، ریسک اختلال در بازار نفت را کاهش داده است اما تحولات ۲۰۲۶ نشان داد که جهان همچنان در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه آسیب‌پذیر است. اکنون حتی کشورهایی که برنامه‌های بلندمدت گذار انرژی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را دنبال می‌کنند، ناچار شده‌اند دوباره به ذخیره‌سازی نفت و گاز به‌عنوان یک ابزار امنیت ملی نگاه کنند.

در اروپا، نگرانی‌ها تنها به قیمت بالای انرژی محدود نیست. مقام‌های اروپایی بیم دارند که ادامه بحران، رکود صنعتی را تشدید کند. صنایع شیمیایی، فولاد، حمل‌ونقل و تولیدات سنگین اروپا همچنان وابستگی بالایی به سوخت‌های فسبیلی دارند و افزایش هزینه انرژی می‌تواند، رقابت‌پذیری آنها را در برابر آمریکا و چین کاهش دهد. برخی کارخانه‌ها در آلمان و فرانسه از هم‌اکنون تولید خود را کاهش داده‌اند و دولت‌ها بار دیگر درباره احتمال بازگشت «رکود تورمی» هشدار می‌دهند؛ وضعیتی که در آن رشد اقتصادی ضعیف هم‌زمان با تورم بالا رخ می‌دهد.

در آسیا نیز بحران انرژی می‌تواند، پیامدهای سیاسی و اجتماعی داشته باشد. بسیاری از کشورهای درحال توسعه آسیایی برای جلوگیری از جهش قیمت سوخت، یارانه‌های سنگینی پرداخت می‌کنند؛ اقدامی که فشار شدیدی بر بودجه دولت‌ها وارد کرده است. تجربه بحران انرژی ۲۰۲۲ نشان داده بود که افزایش ناگهانی قیمت سوخت و مواد غذایی می‌تواند به ناآرامی‌های اجتماعی و بحران بدهی در اقتصادهای شکننده منجر شود. اکنون صندوق بین‌المللی پول هشدار داده که ادامه اختلال در تنگه هرمز ممکن است دوباره برخی اقتصادهای واردکننده انرژی را وارد بحران مالی کند. از سوی دیگر این بحران می‌تواند، روند سرمایه‌گذاری جهانی در حوزه انرژی را نیز تغییر دهد. افزایش قیمت نفت و نااطمینانی عرضه، شرکت‌های نفتی را به توسعه پروژه‌های جدید در آمریکا، آسیای لاتین، آفریقا و دریای شمال ترغیب کرده است. در عین حال کشورهای مصرف‌کننده تلاش می‌کنند، وابستگی خود به مسیرهای پرریسک مانند تنگه هرمز را کاهش دهند. توسعه خطوط لوله جایگزین، افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی و تنوع‌بخشی به واردات انرژی اکنون به اولویت بسیاری از دولت‌ها تبدیل شده است. اقتصاددانان می‌گویند، بحران کنونی تنها یک نوسان مقطعی در بازار نفت نیست؛ بلکه نشانه‌ای از ورود جهان به دوره‌ای جدید از رقابت ژئوپلیتیکی بر سر انرژی است. بازاری که طی سال‌های اخیر تصور می‌شد با رشد انرژی‌های پاک آرام‌تر و باثبات‌تر شود اکنون بار دیگر تحت سلطه ریسک‌های امنیتی و تنش‌های ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. به هر حال بازار جهانی نفت وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی ساختاری شده است. حتی اگر رشد تقاضا کاهش یابد، ریسک‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت عرضه می‌توانند برای مدت طولانی قیمت‌ها را بالا نگه دارند. بحران تنگه هرمز نشان داده، امنیت انرژی همچنان یکی از مهم‌ترین مسائل راهبردی جهان است و اقتصاد جهانی هنوز به‌شدت به ثبات خاورمیانه وابسته باقی مانده است.

هزار و ۳۹۹ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۷۶.۸ میلیارد تومان بود. این شکاف عظیم میان تقاضا و عرضه بیانگر عطش بالای سرمایه‌گذاران برای ورود به بازار است؛ شرایطی که در بسیاری از نمادها عملاً فروشنده جدی در بازار وجود نداشت و سهام در صف‌های خرید سنگین قفل شده بودند. با وجود فضای فوق‌العاده مثبت بازار، ارزش معاملات خرد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی حدود ۱۰ هزار و ۳۷۰ میلیارد تومان ثبت شد که همچنان پایین‌تر از ظرفیت واقعی بازار ارزیابی می‌شود. دلیل اصلی این مسئله، قفل بودن بخش بزرگی از نمادها در صف خرید است. زمانی که فروشنده‌ای در بازار وجود ندارد، طبیعی است حجم معاملات نیز کمتر از شرایط عادی باقی بماند زیرا امکان جابه‌جایی سهام محدود می‌شود. اما مهم‌ترین محرک رشد دیروز بورس را باید در تحولات سیاسی و انتظارات معامله‌گران جست‌وجو کرد. اخبار منتشرشده از شب گذشته درباره افزایش احتمال توافق میان ایران و آمریکا، فضای انتظارات را به شکل محسوسی تغییر داد و باعث شد بخشی از نقدینگی که پیش‌تر در بازارهای طلا، ارز و دارایی‌های امن حضور داشت به سمت بازار سهام حرکت کند. هم‌زمان افت قیمت ارز و طلا نیز این سیگنال را به بازار داد که فعلاً بخشی از سرمایه‌ها ترجیح می‌دهند، وارد بورس شوند. در واقع بازار سهام اکنون به مهم‌ترین مقصد نقدینگی در اقتصاد ایران تبدیل شده است. سرمایه‌گذاران امیدوارند که کاهش تنش‌های سیاسی احتمال توافق و کاهش ریسک‌های سیستماتیک بتواند چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها و ثبات اقتصادی را بهبود بخشد. به همین دلیل بورس در روزهای اخیر نه‌تنها از فشار فروش فاصله گرفته بلکه با موجی از تقاضای تازه مواجه شده است.



# جان برادر کجاستی؟

روایت افغانستانی‌های جنگ ایران و آمریکا که در ایران ماندند

بهاره موقفی

روزنامه‌نگار



جنگ که از راه می‌رسد، مرز و ملیت نمی‌شناسد. در روزهایی که آسمان بعضی شهرهای ایران بوی دود و باروت گرفته بود، میان آوار خانه‌ها و شیشه‌های فروریخته، صدای محزون کسانی به گوش می‌رسید که با زبان شیرین افغانستانی نام عزیزان‌شان را صدا می‌زدند: «جان برادر کجاستی؟». مهاجران افغانستانی، همان‌هایی که سال‌ها در این سرزمین کار کردند، خشت بالا بردند تا در کنار مردم ایران ستون بر سقف این آب و خاک بزنند، این بار نیز کنار ایرانی‌ها، جنگ را زندگی کردند؛ با این تفاوت که بسیاری از رنج‌هایشان جایی شنیده نشد؛ کودکانی که جان دادند اما «شهید» خوانده نشدند، پدرانی که رفتند و نان خانه را با خود بردند و خانواده‌هایی که حالا زیر بار هزینه‌های بیمه، اقامت، بیکاری و غربت، آرام‌آرام کمر خم می‌کنند. این گزارش روایت مردمانی است که در روزهای جنگ، نه راه رفتن داشتند و نه رمقی برای ماندن؛ مردمانی که هنوز ایران را «خانه» صدا می‌زنند.

مرگ هم تابعیت دارد

درد از دست دادن دختر ۹ ماهه‌اش مثل منساره‌ای بلند در جانش قد کشیده است. زن جوان، کلماتش را آرام و شکسته بیرون می‌دهد: انگار برقی از خشم و اندوه روی حرف‌هایش افتاده باشد تا کسی عمق

دانشگاه

## اشباع پزشک

سازندگی با رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و معاون آموزشی سازمان نظام پزشکی

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



وقتی رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سوم خرداد ۱۴۰۵ می‌گوید «دیگر توان پذیرش ۷۰۰ دانشجوی پزشکی را نداریم» این فقط یک گلایه اداری نیست؛ بلکه هشدار درباره بحرانی است که طی چهار سال گذشته در آموزش پزشکی ایران شکل گرفته است. دکتر علیرضا استقامتی از کلاس‌هایی می‌گوید که گنجایش این حجم از دانشجویان ندارند و بخش‌های بالینی که دیگر امکان آموزش مؤثر را از دست داده‌اند. افزایش ظرفیت پذیرش پزشکی از سال ۱۴۰۰ با هدف جبران کمبود پزشک آغاز شد اما حالا همان مدیرانی که در متن اجرای این سیاست قرار دارند از شکاف میان «تعداد دانشجوی» و «توان واقعی دانشگاه‌ها» سخن می‌گویند؛ شکافی که مستقیماً به کیفیت درمان آینده مربوط است. برخلاف بسیاری از رشته‌ها، آموزش پزشکی فقط به کلاس درس محدود نیست و بخش مهمی از آن در بیمارستان و مواجهه با بیمار شکل می‌گیرد. به همین دلیل افزایش ناگهانی دانشجویان، فشار سنگینی بر بخش‌های درمانی وارد کرده است. استقامتی هشدار می‌دهد، وقتی دهها دانشجو هم‌زمان وارد یک بخش بیمارستانی می‌شوند، فرصت آموزش عملی و ویزیت مؤثر از بین می‌رود. وزیر بهداشت نیز پیش‌تر اعلام کرده بود که ظرفیت پذیرش پزشکی و دندانپزشکی طی چهار سال صددرصد افزایش یافته درحالی که تعداد اساتید تنها ۹ درصد و خوابگاه‌ها ۲۰ درصد رشد داشته‌اند. این آمار نشان می‌دهد، زیرساخت‌ها همبازی افزایش دانشجو توسعه پیدا نکرده‌اند. در همین حال حتی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز تأکید کرده که افزایش ظرفیت بدون تأمین زیرساخت می‌تواند، کیفیت پزشکان آینده را تحت‌تأثیر قرار دهد. به همین دلیل وزیر بهداشت سال گذشته در نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواستار کاهش ظرفیت پذیرش شد.

کسانی که معتززند، منفعتی ندارند

استقامتی در گفت‌وگو با «سازندگی» در واکنش به این موضوع که برخی نمایندگان مجلس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با کاهش ظرفیت مخالف هستند، می‌گوید: با احترام به نظر همه افرادی که درباره این موضوع اظهارنظر می‌کنند، معتقد مهم‌ترین و دقیق‌ترین نظر را کسانی



سوختش را نیند اما لهجه شیرین افغانستانی‌اش، غم را پنهان نمی‌کند: «داخل ماشین بودم که حمله شد و دیگر هیچ چیزی یاد نمی‌آید». در ادامه، همسر ۲۴ ساله‌اش، مردی که با خیاطی گذران زندگی می‌کند، با صدایی پر از خستگی می‌گوید: «شب حادثه دخترم تب داشت و مادرش او را به دکتر برد. فرمانداری رباط کریم را که مورد هدف قرار می‌دهند دختر من هم شهید می‌شود. همسر من دستش آسیب دیده است طوری که ناچار به عمل شد و الان هم پلاتین کار گذاشته است». مرد نفسش را سنگین بیرون می‌دهد؛ انگار همه آرزوهایش زیر همان آوار جا مانده باشد: «همسر من حال مساعدی ندارد چون همه آرزوهای ما رفت». اهل پنجشیر است؛ از همان دره‌هایی که رودهایش آواز زندگی می‌خوانند و نسیم کوه‌هایش بسوی آزادی می‌دهد اما حالا در غربت روحش مچاله شده و میان دیوارهای شهری غریب، دخترش را صدا می‌زند. امیرحسین، کودک ۸ ساله افغانستانی، یکی دیگر از قربانیان جنگ بود؛ کودکی که در کاشان، کنار ریل قطار و در میانه بازی‌های کودکانه، جانش را از دست داد. عمویش روایت می‌کند: «امیرحسین و پسر همسایه‌شان آرمان که او هم افغانستانی بود هر دو در نزدیکی ایستگاه قطار، اول یل یچی آباد به شهادت رسیدند؛ آن هم درحالی که مشغول بازی بودند. اسم هیچ کدامشان جزو لیست شهدا نبود و در قطعه شهدا دفن نشدند». صدایش آرام می‌شود اما با بغضی سنگین‌تر ادامه می‌دهد: «حتی هزینه کفن و دفن را هم می‌خواستند خودمان پرداخت کنیم اما آفتدر پیگیری کردیم تا اجازه دادند، پیکر امیرحسین در قطعه وحدت اتباع رایگان دفن شود».



جنگ و غم نان

پدر امیرحسین و آرمان هر دو کارگر ساختمان‌اند؛ مردانی که سال‌ها آجر روی آجر گذاشته‌اند تا سقفی برای دیگران بسازند اما حالا برای هزینه‌های دفن فرزندشان هم در مانده‌اند. عموی امیرحسین می‌گوید: «برادرم برای مراسم پسرش حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان هزینه کرد. بعد هم فقط مدیر مدرسه‌شان برای تسلیت آمد». جنگ فقط جان نرفت؛ نان را هم از سفره‌ها برد. ارشاد، خبرنگار افغانستانی ساکن تهران در این باره می‌گوید: «ما افغان‌ها از مزایایی مانند کالابریگ که دولت ایران برای شهروندان خود در نظر می‌گیرد، بهره‌مند نمی‌شویم. در نتیجه این گرانی روی قشر مهاجر که کم‌درآمد هم هستند، فشار بیشتری وارد می‌کند». حالا در کنار درد جانکاه جنگ، هزینه‌های تازه‌ای هم روی دوش خانواده‌های افغانستانی سنگینی می‌کند؛ بیمه‌های اجباری، تمدید مدارک، هزینه خدمات شهری و گرانی تمام‌نشدنی اقامت. او ادامه می‌دهد: «اگر خانواده‌ای ۶ نفر جمعیت داشته باشند باید حدود ۵۰ میلیون تومان، هزینه بیمه هم برای اقامت خود بدهد».

نجف، یکی دیگر از مهاجران افغانستانی، از همسهری‌اش می‌گوید که زیر فشار همین هزینه‌ها سکنه کرده است: «چند روز قبل یکی از همسهری‌های ما به خاطر پول بیمه سکنه کرد و صورتش فلج شد چون کارگر بود و پولی برای پرداخت این هزینه‌ها نداشت. تازه بابت خدمات شهری هم باید نفری ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان پرداخت کنیم». نجف میان تمام این تلخی‌ها هنوز هم خودش را از مردم ایران جدا نمی‌داند، او می‌گوید: «همه اینها درحالی است که ما هم مانند سایر مردم ایران برای مردم میناب عزاداری کردیم». برای مهاجران افغانستانی، جنگ فقط ناامنی نبود؛ فروپاشی تدریجی امیدشان برای روزهایی روشن از زندگی بود.

پایان نانوشته کوچ مهاجران افغان

در میانه آوار جنگ، برخی از مهاجران افغان بار دیگر ناچار شدند، رنج کوچ را بر دوش بکشند؛ مهاجرانی که در ایران خانه‌های کوچک‌شان را با پولی جای افغانستانی، فرش‌های کهنه هرات و خاطرات شب‌های دور کابل گرم نگه داشته بودند اما جنگ دوباره همه چیز را با خود برد؛ انگار تاریخ برای رنج کوچ آنان پایانی نانوشته دارد. ارشاد در این باره می‌گوید: «دانشجویان افغانستانی که در ایران مشغول تحصیل بودند و در خوابگاه‌ها زندگی می‌کردند، در شرایط جنگ ناچار به بازگشت به افغانستان شدند اما برای بازگشت دوباره هم با شرایطی سخت روبه‌رو هستند زیرا روند صدور ویزا عملاً متوقف شده است». ۲۷ لیلی ۲۷ ساله نیز از همان نسل مهاجرانی است که کودکی‌اش را در کوچ‌پس کوچ‌های ایران گذرانده؛ نسلی که لهجه‌اش بوی دو سرزمین را می‌دهد و دلش میان دو خانه تقسیم شده است. او می‌گوید: «یکی از اقوام ما به همسراه مادرش در فیروزآباد شهر ری زندگی می‌کردند. همسرش در استرالیا بود و برای کارهای سفارت به ایران آمده بودند. موقع جنگ از خیر سفارت هم گذشتند و همه زندگی‌شان را رها کردند و رفتند. بعضی از وسایل‌شان را فروختند، بعضی دیگر را هم قرار شد ما برایشان بفرستیم». او ادامه می‌دهد: «اقامت‌شان تنها سه ماه اعتبار داشت». حالا بسیاری از مهاجران میان مرزهایی که بسته می‌شوند و آینده‌ای که هر روز دورتر به‌نظر می‌رسد، نه راه ماندن دارند و نه راه بازگشت.

روزشمار قطعی اینترنت



در هشتادوهمین روز قطع و محدودیت گسترده اینترنت بین‌الملل در ایران همچنان نشانه‌ای قطعی از بازگشت کامل دسترسی عمومی دیده نمی‌شود؛ هرچند طی روزهای گذشته مقام‌های دولتی و برخی چهره‌های سیاسی از احتمال رفع محدودیت‌ها تا پایان هفته سخن گفته‌اند. جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران که از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ آغاز شد و تا ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۵ ادامه داشت حالا هفته‌هاست وارد مرحله آتش‌بس شده اما اینترنت همچنان در وضعیت نیمه‌قطع و طبقاتی باقی مانده است. در تازترین اظهارنظرها، ستار هاشمی، وزیر ارتباطات، با انتقاد از مخالفتان اتصال مجدد اینترنت گفته است: «نگاه قوه عاقله کشور محدودسازی اینترنت آزاد نیست» و وعده داده، اینترنت «برای آحاد مردم و به‌صورت عادلانه» برقرار خواهد شد. هم‌زمان جلال رشیدی‌کوچی، نماینده سابق مجلس نیز اعلام کرده که به احتمال زیاد اینترنت تا پایان هفته به وضعیت پیش از جنگ بازمی‌گردد؛ وضعیتی که البته همچنان شامل فیلترینگ برخی پلتفرم‌ها خواهد بود.

در مقابل، انتقادها نسبت به «اینترنت پرو» و مدل طبقاتی دسترسی شدت گرفته است. محمد سرافراز، عضو شورای عالی فضای مجازی در گفت‌وگویی جنجالی اعلام کرد، تجهیزات محدودسازی اینترنت از چین وارد شده و برخی جریان‌ها به‌دنبال اجرای مدل اینترنت کنترل‌شده مشابه چین هستند. او همچنین از «ذی‌نفعان قطع اینترنت» نام برد که به گفته او از فروش فیلترشکن و اینترنت پرو درآمدهای کلان به‌دست می‌آورند. هم‌زمان گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌ها و فعالان اقتصاد دیجیتال، اپراتورها را به دریافت هزینه اینترنت بین‌الملل درحالی متهم می‌کنند که عملاً تنها اینترنت داخلی به کاربران ارائه شده است. براساس این گزارش‌ها طی بیش از دو هزار ساعت قطعی اینترنت، تعرفه بسته‌ها تغییر نکرده و کاربران همچنان هزینه کامل اینترنت جهانی را پرداخت کرده‌اند. فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال هشدار می‌دهند، تداوم این وضعیت علاوه بر تعمیق شکاف دیجیتال، خسارت‌های سنگینی به کسب‌وکارها وارد کرده است. با وجود وعده‌های تازه برای رفع انسداد هنوز تصمیم نهایی درباره پایان محدودیت‌ها به‌صورت رسمی اعلام نشده است.

منافع مردم و کیفیت آموزش پزشکی کشور است. اما هیچ‌کس به این موضوع اهمیت نمی‌دهد و پیگیری‌ها به نتیجه نرسیده است.

رسیدن به مرز اشباع پزشکی



امیر پاشا طبیبان، معاون آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی نیز در گفت‌وگو با «سازندگی» تأکید می‌کند که کمبود پزشک نداریم و نباید روند جذب به این شکل ادامه پیدا کند. او توضیح می‌دهد: افزایش ظرفیت پذیرش دانشجوی پزشکی از سال ۱۴۰۰ آغاز شد؛ تصمیمی که همان زمان نیز با مخالفت وزارت بهداشت، سازمان نظام پزشکی، کمیسیون بهداشت مجلس و فرهنگستان علوم پزشکی همراه بود اما در نهایت شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب کرد، ظرفیت پذیرش پزشکی سالانه ۲۰ درصد افزایش یابد. در نتیجه، ظرفیت پذیرش که در سال ۱۴۰۰ حدود ۸ هزار نفر بود، در سال ۱۴۰۴ به بیش از ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر رسید؛ یعنی طی چهار سال تقریباً دو برابر شد. او ادامه می‌دهد: با این حال، مشکل اصلی این است که زیرساخت‌های آموزشی و درمانی متناسب با این رشد توسعه پیدا نکرده‌اند. اگرچه مجلس اعلام کرده بودجه‌هایی برای این موضوع اختصاص داده شده اما مسئولان حوزه سلامت معتقدند این اعتبارات به‌هیچ‌وجه پاسخگوی نیاز واقعی آموزش پزشکی نبوده است. به گفته مسئولان برای هر ۵۰ دانشجوی پزشکی باید حداقل ۶۰ عضو هیأت علمی، ۲۵ تخت آموزشی و امکانات رفاهی، خوابگاهی و بیمارستانی متناسب وجود داشته باشد؛ شرایطی که اکنون در بسیاری از دانشگاه‌ها فراهم نیست. به گفته او: از نگاه نظام پزشکی، کشور اکنون به اهداف برنامه هفتم توسعه نزدیک شده است. هدف این برنامه رسیدن به ۲۳ پزشک به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت بود. درحالی که در سال ۱۴۰۰ این عدد حدود ۱۲ پزشک بود اکنون تعداد پزشکان کشور به حدود ۱۷۱ هزار و ۵۰۰ نفر رسیده و برآورد می‌شود، ایران تا سال ۱۴۰۷ به هدف تعیین شده دست پیدا کند. طبیبان تأکید می‌کند: مسئله مهم‌تر این است که آموزش پزشکی صرفاً به کلاس درس محدود نمی‌شود. شاید بتوان کلاس‌های پرجمعیت را موقتاً در آمفی‌تئاتر برگزار کرد اما آموزش بالینی وابسته به بیمارستان، تخت آموزشی و ارتباط مستقیم دانشجو با بیمار است. مسئولان هشدار می‌دهند، ادامه این روند می‌تواند کیفیت آموزش پزشکی ایران که اکنون در منطقه جایگاه قابل‌قبولی دارد را تضعیف کند و در نهایت کیفیت خدمات درمانی و سلامت مردم را تحت‌تأثیر قرار دهد.

